# ماندگار

روزنامۀ صبح افغانستان

چاپ همزمان: کابل – هرات

پخش همزمان: بلخ، پروان، پنجشیر، میدان وردگ و کاپیسا

www.mandegardaily.com

سال نهم ❁ شمارۀ ۲۱۷۳ ❁ چهارشنبه ۶ جدی/دی ۱۳۹۶ ❁ ۹ جمادی‌الاول ۱۴۳۹ ❁ ۲۷ دسمبر ۲۰۱۷


**باربارا دی آنجلیس**

هنگامی که منتظر اید دیگران هیجان را به زنده‌گی شما باز گردانند، برای تولید عشق و شور و نشاط به آنان وابسته می‌شوید و تماس خود را با منبع عشق درون خود از دست می‌دهید.


مژده به اداره های دولتی، مؤسسه های داخلی و خارجی!

تا اکنون کارمندانی که تنخواه ماهانۀ شان را از طریق عزیزی‌بانک دریافت کرده‌اند، از ما خوشنود استند؛ چون عـــــزیزی‌بانک به «سرعت و دقت» تأکیـــــد دارد. شما هم می‌توانید در عزیزی‌بانک برای کارمندان‌تان «حساب معاش» ایجاد کنید و از خدمات رایگانِ ماشین‌های اتومات صرافی ما بهره‌مند شوید.

عزیزی بانک
Azizi Bank
عزیزی بانک، بانک موردِ اعتماد همه

www.azizibank.af 1515


## در نشست سه‌جانبه در چین مطرح شد:

# تروریسم خوب و بد ندارد

صفحه ٦

صفحه ٦

کاهش چشمگیر سرمایه‌گذاری در افغانستان

صفحه ٣

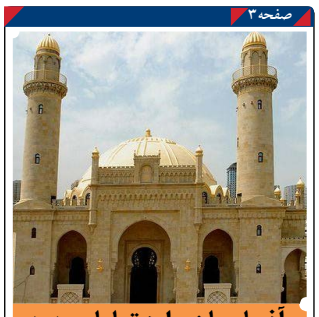

آذربایجان وارد تعامل جدید با جهان اسلام می‌شود

صفحه ٣

له مکررو غوښتنو سره سره نوی کمیشنر نه دی معرفي شوی

جمعیت اسلامی:

## با کناره‌گیری والی بلخ موافق نیستیم

ابوبکر صدیق

حزب جمعیت می‌گوید که انجینر داوود به عنوان والی بلخ نه بل به عنوان رییس امنیت ولایت بلخ از طرف رییس حکومت و حدت ملی پیشنهاد شده بود.

یک منبع حزب جمعیت که نخواست از او در این گزارش نام گرفته شود، به روزنامۀ ماندگار می‌گوید: خواست کرسی ولایت بلخ یکی از خواست‌های کوچک این جریان است. در آینده این حزب خواست‌های اساسی خود را از حکومت مطرح خواهد کرد.

این منبع تأکید می‌کند که یکی از خواست‌های کلیدی این جریان تطبیق توافق‌نامۀ سیاسی حکومت وحدت ملی است.

این منبع با رد سخنان داکتر عبدالله عبدالله رییس اجرایی که گفته بود جمعیت با استعفای عطا محمد نور والی بلخ توافق کرده است، می‌گوید که جمعیت هیچ توافقی در رابطه به کناره‌گیری آقای نور ندارد.

به باور این منبع، از دو تن افرادی که در زمان مذاکرات آقای نور با ارگ به این نهاد پیشهاد شده بود، یکی فرهاد عظیمی بود، اما با به بن‌بست رفتن مذاکرات این پیشنهادات نیز منتفی شده است.

این در حالی است که اداره مستقل ارگان‌های محلی افغانستان می‌گوید که مکلف است تا حکم رییس حکومت وحدت ملی را درباره معرفی والی جدید بلخ را اجرا کند.

منیره یوسفزاده، سخنگوی این اداره به می‌گوید که اداره ارگان‌های محلی، کارهای مقدماتی معرفی والی جدید بلخ را آغاز کرده است.

خانم یوسفزاده با تأکید بر این‌که تغییر و تبدیل در سمت‌های سیاسی یک امر عادی و مروج بوده، گفته که او امیدوار است عطا محمد نور، والی بلخ «با درایت و مدیریتی که در ۱۴ سال مأموریت از خود نشان داده، حکم رییس حکومت مرکزی را قبول کند.

پش از اوج گرفتن تنش‌ها میان حکومت مرکزی و عطا محمد نور والی بلخ، آقای نور منظوری استعفایش را از طرف ارگ منتفی می‌داند، هم‌چنان، حزب جمعیت این تصمیم ارگ را عجولانه تصور می‌کند.

این درحالی که عبدالله عبدالله رییس اجرایی حکومت وحدت ملی با استعفای آقای نور موافقت کرده است.

## مجلس:

# اصلاحات نیاید، بودجه را تصویب نخواهیم کرد

شماری از اعضای کمیسیون مالی و بودجۀ مجلس نمایندگان از احتمال رد بودجۀ سال ۱۳۹۷ سخن می‌زنند و می‌گویند، تا زمانی که حکومت پروژه‌های برنامۀ ملی جاده‌سازی روستایی را در سند بودجۀ سال ۱۳۹۷ نگنجاند، سند بودجه را تصویب نخواهند کرد.

صدیق‌احمد عثمانی، عضو کمیسیون مالی و بودجۀ مجلس به سلام‌وطندار می‌گوید، کار روی سند بودجه با وزارت‌خانه‌ها جریان دارد، اما اگر پیشنهادهای اعضای مجلس در سند بودجه گنجانیده نشود، بودجۀ سال۱۳۹۷ بار دوم از سوی مجلس نمایندگان رد خواهد شد.

آقای عثمانی، تغییر در اصول‌نامۀ سند بودجه، حذف ده‌ها پروژۀ زیربنایی در بخش جاده‌سازی و آب آشامیدنی و کاهش ۷۰ میلیارد افغانی در بودجۀ توسعه‌یی را از علت‌های اساسی رد بودجه از سوی مجلس نمایندگان می‌داند.

اما اجمل‌حمید عبدالرحیمزی، رییس روابط عامه و سخنگوی وزارت مالیه/دارایی می‌گوید، سند بودجۀ سال ۱۳۹۷ بر اساس معیارهای ملی و بین‌المللی تهیه شده است. به گفتۀ آقای عبدالرحیمزی، پیشنهادهای اعضای مجلس نمایندگان بر اساس منافع ملی و امکانات وزارت مالیه در سند بودجه گنجانیده خواهد شد.

سخنگوی وزارت مالیه از اعضای مجلس نمایندگان می‌خواهد که هر چه زودتر سند بودجۀ سال ۱۳۹۷ را تأیید کنند.

سند بودجۀ سال ۱۳۹۷ احتمالاً تا دو هفتۀ دیگر برای تصویب به مجلس نمایندگان فرستاده می‌شود.

## سخن ماندگار

# شش جدی؛

## بزرگ‌ترین اسارت و بزرگ‌ترین درس تاریخ برای افغانستان

حادثه‌یی که در تاریخ ششم جدی سال ۱۳۵۸ اتفاق افتاد و افغانستان را زیر چین تانک‌های شورَوی خُرد کرد، در صفحات تاریخ معاصر ما، بسیار شَرم‌آور و خونین درج شده است؛ حادثه‌یی که با تبعاتِ خون‌بار و ویران‌گرِ آن نشان دهنده بزرگ ترین اسارت در تاریخِ سیاسی افغانستان است و نیز بزرگ‌ترین درس برای ما و نسل‌های پس از ما.مطالعهٔ انبوهی از اسناد و شواهد به‌جا مانده از رویداد ششم جدی، ما را به درکِ کاملاً درست از جامعهٔ افغانستان، مشکلات و مختصاتِ آن راهنمایی می‌کند و به ما می‌گوید هر قدرتِ ولو پولادین و مستحکم که از حمایتِ مردمی برخوردار نباشد، محکوم به زوال و نابودی‌ست. چنان‌که از صبحِ همان شش جدی بود که ستارهٔ بخت اتحاد جماهیر شوروی در جَهان رو به افول گذاشت.

شکی نیست که وقوعِ رویداد ششم جدی و پیامدهای فاجعه‌بار آن، بهترین کتاب برای مطالعه و شناختِ کشوری به‌نام افغانستان است که باید از آن درس‌ها گرفت و و تجربه‌ها اندوخت. ایجاد حکومتی سرخ توسط دو حزبِ خلق و پرچم در افغانستان، اصلی‌ترین هدفِ این رویداد بود؛ رویدادی که می‌توانست شوروی را به آب‌های گرم برساند و تمام منطقه و جهان را آبستنِ حوادثِ ویران‌گر سازد. اما خلقی‌ها و پرچمی‌ها و حکومت اتحادِ جماهیر شوروی که سرمستِ پیروزی ظاهریِ خویش و مردم‌آزاری بودند، نمی‌دانستند که همتِ والای مردم مجاهد افغانستان، تمام خواب‌های خوشِ آن‌ها را به یأس و شکست تبدیل خواهد کرد.

به‌تدریج، در برابر ستمگری‌های ارتش متجاوز شوروی و حکومت‌های دست‌نشاندهٔ آن، از هر کوی و برزن صدای حق‌طلبی و عدالت‌خواهی مردم مجاهد افغانستان بلند شد و این صداها با غریو الله‌اکبر به‌هم پیوند خوردند و به یاری خداوند، نصرت و پیروزی مظلومین فرا رسید و قامتِ اردوگاه سرخ، شکاف برداشت و جهان، فروپاشی آن را به نظاره نشست.

هرچند خلقی و پرچمی‌ها تلاش‌ها کردند تا مبارزهٔ قهرمانانهٔ مردم مجاهد افغانستان را یک حرکتِ ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم غرب معرفی کنند؛ اما همه‌گان آفتابِ حقیقتِ جهاد صادقانهٔ ملتِ ما را به چشم سر مشاهده کردند و هیچ تهمتی نتوانست از شعاعِ تابشِ آن بکاهد. البته شکی هم نیست که تمام قدرت‌ها و سیاست‌مداران جهان غرب، از مجاهدتِ سلحشورانهٔ مردم ما بهره‌های وافر می‌بردند و از این رهگذر، کمک‌هایی نیز به برخی از تنظیم‌های جهادی می‌کردند؛ اما جهاد مردم افغانستان فی‌نفسه آن‌چنان پاک و بی‌الایش بود که فقط از چشمهٔ زلالِ ایمان به خدا و وطن‌دوستی مایه می‌گرفت. در غیر این، افغانستان هرگز از کامِ اژدهای سرخ نجات نمی‌یافت و فرهنگ و ثقافتِ درخشان آن، در آتش خصمِ متجاوزین ذوب می‌گشت.

اکنون سی‌وچهار سال بعد از تجاوز ارتش سرخ شوروی به افغانستان، عظمتِ جهاد مردم افغانستان هر روز بیشتر آشکار می‌شود. تاریخ گواه است که روسیهٔ تزاری و بعدها روسیهٔ کمونیستی بر هر کشوری که استیلا می‌یافت، به‌سرعت تاریخ، فرهنگ و تمدنِ آن‌ها را استحاله و دگردیس می‌کرد. چنان‌که همه دیده‌ایم که کشورهای آسیای میانه که همه پس از فروپاشی شوروی سابق مستقل شدند، تا چه اندازه از ریشه‌های فرهنگی و هویتیِ خود دور افتاده‌اند. اما تجربهٔ افغانستان و تجاوز ارتش سرخ به این کشور، این طلسم را برای همیشه درهم شکست و به این معادله، نتیجهٔ معکوس بخشید.

اما اکنون به‌رغم چنین پیروزیِ افتخارآفرینی که نصیب ما شد، اگر نگاهی عمیق به اوضاع کشور بیندازیم، می‌بینیم که ما بازهم در سایهٔ آن روزها و حوادثِ فاجعه‌بار قرار داریم. کشمکش‌های فعلیِ جهانی بر سر مسالهٔ افغانستان و منازعات داخلی در کشور، همه به‌نحوی متأثر از رویداد ششم جدی است. واضح است که مردم افغانستان از آن روزگار تا امروز، قربانی سیاستِ ششم جدی‌ها شده‌اند؛ اما مردم پس از سقوط آخرین حکومت کمونیستی و ایجاد دولت اسلامی در افغانستان، با کمال متانت و بزرگواری همهٔ آن‌ها را بخشیدند تا یک فضای کاملاً باز و برادرانه در کشور شکل بگیرد. اما متأسفانه به‌رغم این بخشش و عطوفت، بسیاری از آن‌ها بر مبنای قومیت و یا بر اساس نقشه‌های استخباراتی بیگانه‌گان، دست به تخریب و بدنام‌سازی دولت اسلامی و سامان‌دهی رویدادهای خونین دههٔ هفتاد در افغانستان یازیدند و بعدتر شماری از آن‌ها نیز به طالبان و آی‌اس‌آی پیوستند و خیانت‌ها و جنایت‌ها مرتکب شدند.

شوربختانه هم‌اکنون نیز شماری از چهره‌های وابسته به رویداد ششم جدی، نظریه‌پرداز شده‌اند و در میان مردم تخم نفاق می‌پاشند و شب و روز یاوه می‌بافند. حتا شماری از آن چهره‌های منفور از پشت رسانه‌های معلوم‌الحال، تیوری خشونت را ترویج می‌کنند، به مردم افغانستان توهین می‌کنند و برخی اقوام را «حرامی» می‌خوانند. اما این اوباشان ناسپاس باید بدانند که اگر امروز نفسی می‌کشند و باد به غبغب می‌اندازند، از برکتِ بخشش‌ها و ازخودگذری‌های این مردم بزرگوار و قهرمان است که به‌رغم آن‌که توانستند بینی ابرقدرت شرق را به خاک بمالند، میکروبی به‌سانِ آن‌ها را به نام یک هموطن و شهروند افغانستان تحمل کردند.

احمدعمران

# برنامه‌های صلح از اساس مشکل دارند!

نشست سه جانبه چین، افغانستان و پاکستان در حالی در شهر بهجینگ آغاز یافت که در دو روز گذشته شورای صلح افغانستان نیز گردهمایی را با شرکت علمای دین در رابطه به مساله صلح در کشور برگزار کرد. در این گردهمایی تلاش‌هایی صورت گرفت که نقش علمای دینی در آوردن صلح در افغانستان بیشتر تقویت شود. در همین حال، دولت وحدت ملی در عرصهٔ دیپلوماسی نیز گفتگوهایش را با کشورهای نزدیک با مسایل افغانستان ادامه می‌دهد. دولت‌مردان کشور و مقام‌های شورای صلح از برخی موفقیت‌های خود در عرصه تامین صلح سخن می‌گویند و باور دارند که به زودی افغانستان شاهد تغییرات مثبتی در این زمینه خواهد بود. اما این که چنین برنامه‌هایی چقدر قرین به موفقیت خواهد بود، چیزی است که در مورد آن با قاطعیت نمی‌توان حکم داد. زیرا در یک و نیم دهه اخیر دولت افغانستان به شکل‌های گوناگون تلاش ورزیده که به موفقیتی در عرصهٔ تامین صلح دست پیدا کند؛ اما این تلاش‌ها هرگز به موفقیت قابل توجهی منجر نشده اند. دولت افغانستان شاید خواسته باشد که کشور را از بحران ناامنی نجات بخشد، اما گام‌هایی را که در این عرصه بر می‌دارد راه به چنین هدفی نمی‌برند. مثل این است که کسی خواسته باشد در زمینی گندم بکارد؛ اما به جای دانه گندم جو کشت کند. آیا چنین شخصی می‌تواند انتظار داشته باشد که محصول او از زمین گندم باشد؟ دولت افغانستان نیز چنین برخوردی با برنامهٔ صلح داشته است. دولت افغانستان در حالی گروه‌های مسلح و حامیان آن‌ها را به نشستن در میز مذاکره تشویق می‌کند که خود هر روز با مشکل تازه‌یی با کسانی رو به رو است که خود را بخشی از نظام فعلی می‌دانند. آیا می‌توان انتظار داشت که در چنین فضا و جوی ما بتوانیم مورد توجه افرادی واقع شویم که آن‌ها در پی ویران کردن نظام هستند؟ بدون شک چنین توقعی، دور از ذهن می‌نماید و تا زمانی که دولت افغانستان موفق نشود که حامیان خود از درون را راضی نگه دارد، مخالفان مسلح خود را هرگز موفق نخواهد شد که به گفت‌وگوهای صلح بکشاند. هر روز وقتی مشکلی تازه فرا راه دولت قرار می‌گیرد، مخالفان مسلح آن را دلیلی برحقانیت خود پنداشته و ازآن به عنوان حربهٔ علیه دولت استفاده می‌کنند.

دولت وقتی علمای دینی را برای کمک به روند صلح دعوت می‌کند و یا نشست‌هایی را با کشورهای ذیدخل در مسایل افغانستان برگزار می‌کند، فقط می‌تواند یک روی سکه باشد، روی دیگر سکه عملکردهایی است که این دولت در حمایت از برنامه‌های خود صورت می‌دهد. متاسفانه در این عرصه دولت افغانستان موفقانه عمل نکرده است. عملکرد دولت افغانستان چنان نبوده که بتواند فضای اعتماد را چنان گسترش بخشد که مخالفان مسلح چاره‌یی غیر از گفت‌وگو و گذاشتن سلاح نداشته باشند. مخالفان مسلح حتا در این پانزده‌سال یک بار هم راضی به مذاکره با دولت نشده اند. آیا کسی دلیل چنین موضعی را سراغ کرده است؟ آیا مخالفان مسلح به حقانیت راه شان باور دارند و یا این که دولت افغانستان را ناتوان در مبارزه علیه خود می‌یابند؟ به نظر می‌رسد مخالفان مسلح بیشتر از این که به حقانیت راه خود باور داشته باشند، ضعف دولت وسیله ادامهٔ جنگ شان شده است. وقتی معاون اول ریاست جمهوری به هربهانهٔ به تبعید مجبور می‌شود، وقتی والی یک ولایت دولت را به ناکارآمدی و توطیه علیه موتلفانش متهم می‌سازد، وقتی نماینده‌گان پارلمان در یک ولایت جمع می‌شوند و دولت را به دسیسه علیه منافع علیای کشور متهم می‌کنند، بدون شک تاثیرآن در یک حوزهٔ کوچک باقی نمی‌ماند و سبب می‌شود که کل برنامه‌های دولت زیر سوال برود. مخالفان مسلح با انتباه از چنین وضعیتی نتیجه می‌گیرند که دولت افغانستان چنان دولت ضعیف، ناتوان، سطحی گرا، قوم گرا و بی‌برنامه است که نمی‌تواند معاون اول ریاست‌جمهوری خود را در داخل کشور تحمل کند، برای عدم شرکت یک والی در یک نشست توطیه می‌چینند و مانع پرواز او می‌شود، برای حذف دیگران از قدرت برنامهٔ قوم گرایانه تدارک می‌بینند و به روی شهروندانی که آمده اند به صورت مسالمت آمیز حق خواهی کنند، تفنگ می‌کشد، آیا چنین دولتی می‌تواند انتظار داشته باشد که مخالفان مسلح او دست از مخالفت بردارند و به روند صلح بپیوندند؟ آیا آن‌ها نمی‌گویند که شما با خودی‌های تان چه می‌کنید که با مخالفان مسلح تان بکنید؟ با توجه این مسایل می‌توان گفت که گام نخست برای تامین صلح، ایجاد بستری قابل اعتماد و پذیریش در داخل نظام است. اگر چنین بستری نباشد، بدون شک هیچ گروه و دستهٔ حاضر به گذاشتن سلاح و پیوستن به روند صلح نخواهد شد. دولت افغانستان در مهم‌ترین وعده‌های خود به شهروندان در زمینهٔ تامین عدالت، توازن قدرت، مشارکت عمومی در سیاست گذاری‌ها و اعتماد سازی چنان ناکام بوده که امروز مرز میان دولت و شهروندان به حفره غیرقابل تصور تبدیل شده است. مردم افغانستان از اقدام‌های دولت چنان خسته و ناامید اند که حتا برنامه‌های اقتصادی رییس‌جمهوری نیز دیگر نمی‌توانند حمایت آن‌ها را جلب کنند. در چنین شرایطی برگزاری نشست‌های سه جانبه و چهارجانبه و گردهمایی‌هایی با شرکت علما و دیگر اقشار جامعه فقط می‌تواند آب در هاون کوبیدن باشد و بس.

**دولت وقتی علمای دینی را برای کمک به روند صلح دعوت می‌کند و یا نشست‌هایی را با کشورهای ذیدخل در مسایل افغانستان برگزار می‌کند، فقط می‌تواند یک روی سکه باشد، روی دیگر سکه عملکردهایی است که این دولت در حمایت از برنامه‌های خود صورت می‌دهد. متاسفانه در این عرصه دولت افغانستان موفقانه عمل نکرده است. عملکرد دولت افغانستان چنان نبوده که بتواند فضای اعتماد را چنان گسترش بخشد که مخالفان مسلح چاره‌یی غیر از گفت‌وگو و گذاشتن سلاح نداشته باشند. مخالفان مسلح حتا در این پانزده‌سال یک بار هم راضی به مذاکره با دولت نشده اند. آیا کسی دلیل چنین موضعی را سراغ کرده است؟ آیا مخالفان مسلح به حقانیت راه شان باور دارند و یا این که دولت افغانستان را ناتوان در مبارزه علیه خود می‌یابند؟**

## وزیر مالیه:

# پیشنهادات سناتورها در بودجه گنجانیده شده است

وزیر مالیه در مورد درج پیشنهادات سناتورها در بودجه ملی سال مالی ۱۳۹۷ خورشیدی به سناتوران معلومات ارائه کرد.

اکلیل حکیمی وزیر مالیه که در نشست استماعیه روز سه‌شنبه (۵ جدی) مجلس سنا شرکت کرده بود گفت که برخی نظریات سناتورها در سند بودجه ۱۳۹۷ درج شده است.

سناتوران، ۳۸ نظر پیشنهادی برای درج در بودجه ملی سال مالی ۱۳۹۷ ارائه کرده بودند و از وزارت مالیه تقاضا داشتند که نظریات آنان را باید در سند بودجه بگنجاند.

اما اکلیل حکیمی وزیر مالیه گفت که این وزارت برخی از نظریات پیشنهادی سناتورها را در سند بودجه ۱۳۹۷ گنجانیده است.

آقای حکیمی گفت که ۱۶ مورد نظریات سناتوران در مورد طرح بودجه ملی عمومی و متفرقه است و ۲۲ مورد پروژه های ولایتی بوده که در سند بودجه در نظر گرفته شده است.

اما او از هیچ مورد خاصی نام نگرفت و به تشریح دستاوردهای خود پرداخت که با انتقاد سناتورها مواجه شد و از آنجای که نشست استماعیه بود، وزیر مالیه به سوالات سناتورها هم پاسخ نداد.

نجیبه حسینی یک عضو مجلس سنا گفت که وزیر مالیه پروژه‌های ولایتی پیشنهادی سناتورها را در سند بودجه درج نکرده و در این سند به رفاه مردم فقیر جامعه توجه صورت نگرفته است.

داود غفاری عضو دیگر مجلس سنا هم گفت: «وزیر مالیه در مجلس سنا کنفرانس مطبوعاتی ارائه کرد و می‌توانست این کنفرانس را در جاهای دیگر و یا مقر وزارت مالیه برگزار کند و نباید به صورت فرمایشی وقت مجلس سنا را ضایع می کرد».

آقای غفاری افزود که سند بودجه ملی برای رفع مشکلات اقتصادی کشور نیست و انکشاف متوازن در این سند در نظر گرفته نشده است.

گلالی اکبری دیگر عضو مجلس سنا نیز گفت که حضور وزیر مالیه در نشست امروز مجلس سنا بیهوده بود.

خانم اکبری گفت: «ما هم نماینده‌های انتخابی مردم هستیم و وزارت مالیه بودجه ولایتی ما را در سند بودجه در نظر می گرفت».

این سناتورها معتقد بودند که وزیر مالیه به دلیل رهایی از فشار نمایندگان مجلس با درخواست چنین نشست‌های فرمایشی از مجلس سنا، در پی کسب شهرت خود است.

مجلس سنا در تصویب بودجه ملی نقش کمتری دارد و بر بنیاد قانون اساسی تنها نظریات پیشنهادی ارائه می کنند. سناتورها از وزارت مالیه انتقاد دارند که در سال های گذشته نظریات پیشنهادی آنان را در سند بودجه درج نکرده است و تنها به نمایندگان مجلس که صلاحیت بیشتر دارند، امتیاز می دهند.

سند بودجه ملی سال مالی ۱۳۹۷ به دلیل حذف پروژه های ولایتی و غیر متوازن دو هفته پیش از سوی مجلس نمایندگان رد شد.

## د انتخاباتو کمېسیون:

# له مکررو غوښتنو سره سره نوی کمیشنر نه دی معرفي شوی

د افغانستان د انتخاباتو خپلواک کمېسیون وایي چې د دوی له مکررو غوښتونو سره سره تر اوسه حکومت دوی ته نوی کمیشنر نه دی معرفي کړی.

دغه کمېسیون وایي، دوی حکومت ته د نوي کمیشنر د معرفي کولو لپاره دوه مکتوبونه لېږلي، خو تراوسه مثبت ځواب نه دی ورکړل شوی.

د دغه کمېسیون کمیشنر او ویاند ګلاجان عبدالبدیع صیاد د سې شنبې په ورځ «د ۱۳۹۶ کال د مرغومي په ۵ مه» ازادي راډیو ته وویل چې که څه هم حکومت په دې برخه کې ژمنې ورکړي، خو د رئیسنه موجودیت دوی له اداري او مالي ستونزو سره مخ کړي دي.

ښاغلي صیاد زیاته کړه:

"سره له دې چې موږ دوه ځله مکتوب استولی، خو حکومت نوی غړی نه دی معرفی کړی او طبعی ده چې د رئیس په نه موجودیت کې، د اداري پلاوي په سرپرستی کې په مالي او اداري برخو کې ځینې ستونزې رامنځته شوي دي."

شااوخوا میاشت وړاندې ولسمشر محمد اشرف غني د انتخاباتو د خپلواک کمېسیون رئیس نجیب الله احمدزی د یوه فرمان پر اساس له دندې لېرې کړ.

په فرمان کې راغلي وو چې ښاغلی احمدزی د انتخاباتو د کمېسیون د کمیشنرانو په غونډنۍ لېرې شوی دی.

دا په داسې حال کې ده چې ټېره اوونۍ د افغانستان لپاره د ملګرو ملتونو ځانګړي استازي هم د انتخاباتو په خپلواک کمېسیون کې د کم ظرفیت د موجودیت له کبله اندېښنه ښودلې وه.

دا چې ولې جمهوري ریاست د یوې میاشتې په ټېرېدو سره لاهم کمېسیون ته نوی کمیشنر نه دی معرفي کړی، همدغه پوښتنه مو د جمهور رئیس د ویاند د دفتر له سرپرست شاه حسین مرتضوي سره مطرح کړه، خو هغه په دې اړه له څه ویلو ډډه وکړه.

د افغانستان د ازادو انتخاباتو بنسټ یا فیفا بیا وایي، حکومت د هرې ورځې په ټېرېدو د نښو انتخاباتو د ترسره کېدو په برخه کې فرصتونه له لاسه ورکوي.

د دغه بنسټ اجرائیوي رئیس یوسف رشید وویل:

"موږ په سرعت د ټاکنو پر لور روان یوو، خو ځینې مهم کارونه چې باید ترسره شي او د انتخاباتو خپلواک کمېسیون یې لیږشیب ولري، معلق پاتې دي او په وخت نه ترسره کېږي."

د ښاغلي رشید په خبره، په داسې حال کې چې د انتخاباتو خپلواک کمېسیون د رهبري له پلوه له جدي ستونزو سره مخامخ دی، نو له دغه کمېسیون څخه د داسې انتخاباتو ترسره کول چې ټول منلي او شفاف وي، له ځان ټېرایستنې پرته بل څه نه شي کېدای.

# آذربایجان وارد تعامل جدید با جهان اسلام می‌شود

◄ نویسنده: فرید شهبازلی، رییس انجمن «جوانان اصلاح طلب» جمهوری آذربایجان
◄ برگردان: احمدقریشی

امروز، جهان اسلام با مشکلات جدی و منازعات گوناگون مواجه است؛ جنگ در شماری از کشورهای اسلامی جریان دارد و مردم بی‌گناه کشته می‌شوند. از جمله این مشکلات و منازعات، می‌توان به مسأله ناگورنو قره باغ در آذربایجان که با اشغال آن توسط ارمنستان به وجود آمد، مشکلات فلسطین و کشمیر و افغانستان و دیگر مناطق خاورمیانه اشاره کرد.

برخی حلقات از این وضعیت بهره برده و سعی دارند اسلام را به عنوان یک تروریستی به جهان معرفی کند و به همین سبب لازم است که کشورهای اسلامی برای مقابله با این وضعیت همسبته‌گی خود را تقویت کنند.

جمهوری آذربایجان، به عنوان یک کشور مهم اسلامی، گام‌های مهمی را در راستای تقویت وحدت اسلامی در این زمینه برداشته است تا صلح دوستی اش را به نمایش بگذارد و به همین دلیل، الهام علی اف رییس جمهور آذربایجان سال ۲۰۱۷ را «سال همبستگی اسلامی» اعلام کرد و باکو پایتخت این کشور میزبان «رقابت‌های ورزشی همبستگی کشورهای اسلامی» شد.

شرکت کشورهای اسلامی در برنامه‌های بزرگ سال همبسته‌گی اسلامی و بازی‌های ورزشی همبسته‌گی اسلامی در باکو، پیام صلح و ثبات را از این شهر به جهان مخابره کرد.

بعد از کسب استقلال آذربایجان در سال ۱۹۹۱، بنیاد آزادی مذهبی و فکر در این جمهوری گذاشته شد و در راستای احیای بناهای تاریخی و مساجد و معابد کارهای با اهمیتی صورت گرفت.

در دوران حکومت اتحاد جماهیر شوروی، تنها ۱۷ مسجد در آذربایجان وجود داشت؛ اما بعد از استقلال این جمهوری بر شمار مسجد افزوده شد و اکنون تعداد مساجد به ۲۱۶۶ باب رسیده است.

در این میان، ۳۰۶ مسجد از سوی حکومت، تحت عنوان بناهای تاریخی اسلامی حفاظت می‌شود. با حمایت الهام علی اف رییس‌جمهور، کمیسیونی که برای این کار ایجاد شده است، مساجد بزرگ و تاریخی از جمله مسجد حضرت محمد (ص)، مساجد بی‌بی هیبت، تازه پیر، مسجد جامع دژ باکو، مسجد اژدر بی(اژدر بیگ)، مسجد جامع شاماخی، و مجتمع امامزاده در شهر گنجه از جمله مساجد مهمی است که در راستای برنامهٔ احیاء مساجد و اماکن مذهبی در آذربایجان صورت گرفته است.

اعلام سال ۲۰۱۶ به عنوان سال چند فرهنگ گرایی و سال ۲۰۱۷ به عنوان سال همبستگی اسلامی در آذربایجان نشان می‌دهد که امکان ایجاد یک مدل اجتماعی بر پایهٔ تنوع مذهبی و فرهنگی در این جمهوری و ارایه آن به جهان وجود دارد.

روابط آذربایجان با تمام کشورهای اسلامی از جمله افغانستان بر اساس دوستی و برادری استوار است و این کشور به روابط خود با جهان اسلامی توجه جدی دارد و بر همین اساس بود که نخستین ماموریت دیپلماتیک آذربایجان بعد از استقلال در کشورهای اسلامی انجام شد و در مدت کوتاهی، آذربایجان به حیث عضو فعال سازمان همکاری اسلامی (OIC) عرض اندام کرد و این کشور می‌خواهد با کشورهای اسلامی در راستای ارتقای ارزش‌های جهانی و اسلامی همکاری نزدیک داشته باشد.

# طنز تلخ تاریخ خونین معاصر افغانستان؛

## مهمانان کشور شوراها رفیقِ میزبان خود را می کُشند!

## حفیظ الله امین چگونه از مهمانان قاتل خود میزبانی کرد؟

محمد اکرام اندیشمند

تجاوز نظامی شوروی در ۱۳۵۸ خورشیدی، برابر به ۱۹۷۹میلادی بر افغانستان، در دوران حکومت صد روزۀ حفیظ الله امین (دستگیر پنجشیری مدت حکومت امین را ۱۰۳ روز می‌گوید) شکل گرفت. ورود نخستین دسته‌های نظامی لشکریان شوروی در ظاهر، توأم با دعوت و موافقت امین بود. اما این نیروها پس از ورود و استقرار در افغانستان، دست به قتل داعی و میزبان خود زدند. در حالی که تقاضای امین به حضور قوای شوروی و اقدام این قوا در قتل موصوف به عنوان دو موضوع متناقض و معما گونه ای در رویداد لشکر کشی شوروی جلب توجه می کند، حزب دمکراتیک خلق اعم از هردو جناح خلق و پرچم آن تا کنون پرده از تناقضات این رویداد بر نداشته اند.

نقش رهبران حزب دمکراتیک خلق افغانستان در حمله و ورود قوای شوروی، نقش اصلی و تعین کننده نبود. هرچند که حفیظ الله امین قوای شوروی را دعوت کرد و ببرک کارمل در پی تجاوز نیروهای شوروی به رهبری حزب و حاکمیت حزبی رسید، اما آنها در این سقوط و صعود تنها یک قربانی محسوب می شدند. وقتی میتوان به درستی این حقیقت اذعان داشت که عملکرد شوروی ها و به گونۀ دقیق تر روس ها را در مورد رهبران حزب دمکراتیک خلق مورد توجه و بررسی قرار داد. علی رغم آنکه رقیبان متخاصم جناح پرچم به خصوص مخالفان ببرک کارمل در داخل حزب دمکراتیک خلق و بیرون از این حزب، حملۀ نظامی شوروی را عاملی در رساندن رهبر جناح پرچم حزب به کرسی اقتدار تلقی می کنند و نقش کارمل را در این حمله به عنوان دوست صادق و وفادار به شوروی برجسته و مهم می‌پندارند، اما حقایق نهفته در متن رویدادهای تجاوز شوروی و عملکرد بعدی آنها حکایت دیگر دارد. وقتی رهبران شوروی در کریملین تصمیم به حذف امین از کرسی قدرت گرفتند و برژنف این تصمیم را در سپتمبر ۱۹۷۹ بگوش ترهکی رساند، ببرک کارمل به عنوان رهبر حزب و حاکمیت حزبی در کابل مد نظر گرفته نشده بود. اما غلبۀ امین بر تره کی در منازعۀ قدرت و قتل او از سوی امین، رهبران شوروی را به انتخاب و انتصاب ببرک کارمل در رأس حزب و حکومت حزبی در کابل واداشت. در سال‌های بعد که رهبران پیر کریملین یکی پی دیگری پدرود حیات گفتند و گورباچف رییس کی.جی.بی رهبری حزب کمونیست و دولت شوروی را به دست آورد، در همسویی با سیاست پرسترویکا و گلاسنوست، نجیب الله رییس خاد را در دولت حزب دمکراتیک خلق جانشین کارمل ساخت. آنچه را که روس ها در این دوره در مورد ببرک کارمل انجام دادند، کمتر از عملی نبود که در برابر حفیظ الله امین انجام داده بودند. آنها کارمل را با فشار عزل نمودند و سپس از افغانستان بیرونش کردند. آنگونه که ببرک کارمل در سالهای پس از فروپاشی شوروی به حامد علمی خبرنگار رادیو بی.بی.سی گفت:

«نه تنها تو بلکه تمام خبرنگاران و ژورنالیستان در برابر من جفای بزرگ را مرتکب شده اید. طوریکه من اضافه از چهارسال در شوروی و چکسلواکیا زندانی بودم ولی هیچ خبرنگار دربارۀ من گزارشی به نشر نرسانید و هیچ کس دنیا را از زندانی بودن من اطلاع نداد. خصوصاً ژورنالیستانی مانند شما که خود را افغان می گویید باید از روس ها می پرسیدید که رییس جمهور ما کجاست و چرا به شوروی برده شده است؟ تو با مجاهدین افغانستان همکار بوده ای و از رنج و زحمت آنها در جنگ علیه نیروهای شوروی به خوبی آگاه هستی. همانطوریکه شما مخالف تجاوز شوروی به افغانستان بودید به همان اندازه منهم مخالف بودم. من از روز اول مخالف آمدن شوروی ها به کشورم بودم ولی ما قربانی جنگ سرد شدیم.»(۱)

برکناری و تبعید ببرک کارمل توسط روس ها مبین این حقیقت بود که کارمل حتی به قول خودش چیزی بیش از یک قربانی محسوب نمی‌شد. این واقعیت نشان میدهد که او نقش اصلی و مهمی در تجاوز شوروی بر افغانستان نداشت. او قوای شوروی را به افغانستان نیاورد بلکه قوای شوروی او را به افغانستان آورد. در حالی که روس ها هیچ شک و تردیدی در صداقت و وفاداری او به شوروی نداشتند، اما زمانیکه سیاست و منافع خود را در کنار نهادن ببرک کارمل از رهبری حزب و دولت تشخیص دادند، بدون هیچ ملاحظه ای به آن پرداختند.

عملکرد روس ها بعداً در مورد داکتر نجیب الله که جانشین ببرک کارمل گردید چیزی بهتر از آنچه که در مورد امین و کارمل انجام دادند، نبود. هرچند نجیب الله تمکین و وفاداری کمتر از رهبران پیشین حزب خویش به روس ها نداشت. او در خزان ۱۹۸۸ خطاب به نیروهای شوروی که در حال ترک افغانستان بودند گفت:

« ما در برابر شما فرزندان شجاع کشور لنین به خاطر همۀ آنچه برای مردم افغانستان، برای انقلاب ثور انجام داده اید، به خاطر مردانه‌گی و شجاعت و هم به خاطر مهربانی و انسانیت شما سر تعظیم فرود می‌آورم.»(۲)

در سال‌های بعدی که شوروی به سوی فروپاشی رفت و روس ها منفعت و مصلحت خود را در ترک حمایت از نجیب الله و حاکمیت حزب دمکراتیک خلق دیدند، به حزب و رهبرش چنان پشت کردند که حتی چند سال بعد جسد از گلو آویخته شدۀ رهبرحزب دمکراتیک خلق در پایتخت افغانستان آنها را به واکنشی وا نداشت. این حقایق نشان میدهد که رهبران حزب دمکراتیک خلق در تجاوز نظامی شوروی و تداوم این تجاوز نقش مهمی نداشتند. آنها قربانی این تجاوز بودند. در واقع وسیله و ابزار این تجاوز. هرگاه از منظر قربانی شدن و ابزار بودن به نقش رهبران حزب مذکور در تجاوز شوروی نگاه شود، سهم حفیظ الله امین در ماجرای تجاوز و کشاندن پای ارتش سرخ به افغانستان بیشتر از همه است. افزایش سهم امین را در اشغال نظامی افغانستان توسط شوروی زمانی میتوان بهتر درک کرد که بسوی او در ارتباط به این رویداد از سه زاویه نگاه کرد:

نخست به عنوان داعی و میزبان قوای نظامی شوروی در افغانستان از مسند قدرت و از جایگاه رهبری. دوم؛ به حیث چهرۀ شاخص و قدرتمند در دولت حزب دموکراتیک خلق که به عضویت در سازمان جاسوسی ایالات متحده امریکا(سی آی ای) متهم می‌شود. و سوم؛ به عنوان شخصیت مستقل، نا سیونالیست و غیر وابسته که خواهان طرد نفوذ و دخالت شوروی به حزب دمکراتیک خلق و دولت حزبی بود.

### ۱ – امین؛ داعی و میزبان نیروهای شوروی:

حفیظ الله امین در زمان امضای معاهده میان عالی ترین هیئات دولت شوروی و افغانستان در پنجم دسمبر ۱۹۷۸ که به رهبری نورمحمد تره کی و برژنف صورت گرفت، به صورت رسمی نفر دوم دولت حزب دمکراتیک خلق بود. امین چه در دوران رهبری نورمحمد تره کی در حزب و دولت حزبی و چه در زمان کوتاه رهبری و حاکمیت خودش بارها از شوروی خواستار اعزام نیروی نظامی به افغانستان شد. در یک سند محرمانۀ کی. جی. بی که پس از فروپاشی اتحاد شوروی منتشر گردید، نمایندۀ کی. جی.بی در مورد توافقات امین به چگونگی جابجایی نیروهای نظامی شوروی در افغانستان می نویسد:

**«پیام از کابل (محرمانه ، عاجل)**

بتاریخ ۱۲ و ۱۷ دسمبر (۱۹۷۹) نمایندۀ کی گی.بی به امین دیدار کرد، در گفته های امین مساله درخور توجه است:

امین مصرانه مفکورۀ لزوم بلافصل اتحاد شوروی در جلوگیری از عملیات رزمی باندها در نواحی شمال جمهوری دمکراتیک افغانستان را بیان کرد، طرح های او ازاین قرار اند:

رهبری کنونی افغانستان حضور نیروهای مسلح شوروی را در برخی از نقاط مهم استراتیژیک در استان‌های شمالی افغانستان خیر مقدم خواهند گفت :

امین گفت:

۱– اشکال و روش های ارائه شده کمک نظامی بایست از جانب شوروی تعیین گردد.

۲ – اتحاد شوروی میتواند پادگانهای نظامی در جاهایی که خود آرزو دارد، به دست آورد.

۳ – اتحاد شوروی میتواند کلیه پروژه های همکاری مشترک افغان شوروی را زیر محافظت بگیرد.

۴ – سپاهیان شوروی میتواند راه های مواصلاتی جمهوری دموکراتیک افغانستان را زیر نگهبانی بگیرد.»(۳)

همچنان نمایندۀ کی.جی.بی از کابل در پیام محرمانۀ دیگر خود به مسکو از تقاضای امین به اعزام نیروی شوروی برای حفاظت از محل کار و اقامتش سخن میگوید:

«.....در روند گفتگو، امین خواهش خود مبنی بر گسیل یک گردان (کندک) از سپاهیان شوروی را برای نگهبانی از شخص خود در مقر جدیدش (که او در نظر دارد پس از پانزدهم اکتوبر سال روان(۱۹۷۹) به آنجا کوچ کند) تکرار کرد.»(۴)

ظاهراً پس از تقاضای امین یک قطعۀ پنجصد نفری که عمدتا از نیروهای مخصوص کی.جی .بی بودند در اوایل دسمبر ۱۹۷۹ به محل اقامت امین در کاخ تپۀ تاج بیک اعزام شدند. این نیروها حلقۀ دوم محافظتی را بدور قصر تپۀ تاج بیک میساختند که همه ملبس با یونیفورم ارتش افغانستان بودند.(۵)

فقیر احمد ودان، عضو ارشد جناح پرچم حزب دمکراتیک خلق، ضمن آنکه دعوت امین را از مسکو در اعزام قوای نظامی، تلاش موصوف غرض جلب اعتماد رهبران شوروی در مورد خود تلقی می کند، به نقل از یک مامور عالی رتبۀ حکومت امین می نویسد:

«باید به اساس این پیشنهاد (پیشنهاد حفیظ الله امین) ده هزار تن از منسوبان اردوی شوروی در میدان های هوایی افغانستان جابجا و در مواقع لازم از آنها استفاده میگردید. به همین سبب در بیانیه ها و اسناد هردو جانب فورمول بندی «قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی»بکار میرفت.»(۶)

گزارش سری سفارت ایالات متحدۀ امریکا در کابل، ورود و جابجایی شماری از نیروهای شوروی و یا همان قطعات محدود نظامی شوروی را در اوایل حکومت صد روزۀ امین تأیید می کند. در سند سری شماره ۴۷ بتاریخ سوم اکتوبر ۱۹۷۹ از سفارت امریکا در کابل که موضوع آن، تشریح نیروهای نظامی روسی در افغانستان است، می آید:

«.....الف: نیرو و سربازان نظامی حدود ۶۰۰ نفر که در حال حاضر دفاع قسمت داخلی پایگاه هوایی بگرام را بعهده دارند که به نیروی ویژه واکنش معروفند.

ب: نیروهای نظامی متخصص حدود ۱۰۰۰ – ۵۰۰ نفر از سربازان گردان زرهی که در حال حاضر در پادگان پل چرخی که پادگان زرهی است مستقر می باشند.

ج: تعدادی سربازان جوان در اطراف کابل به حفاظت تأسیسات و خانه های روسها مشغول اند.

د: هر نظامی روسی که کار عملیش و نقشش بیشتر از یک مستشار نظامی است مثل تکنسینهای روسی که کار شان تعمیر هلیکوپترهای توپدار و ارابه های مسلح جنگی که امروزه در عملیات علیه شوروشیان بکار گرفته می شود، میباشد.

بر اساس دقیقترین اطلاعاتیکه در دسترس ما قرار دارد منجمله اطلاعاتیکه به وسیلۀ سایر منابع حساس دولت امریکا تأیید می شود، احتمالاً ۴۲۰۰ نفر نیروی نظامی (شوروی) در افغانستان در حال حاضر بسر میبرند.»(۷)

حتی یکی از گزارشات سری سفارت ایالات متحدۀ امریکا در کابل توسط «جی. بروسوامستوتز شارژدافیر سفارت، به نقل از یک دیپلومات هندی، تعداد نیروهای نظامی شوروی را که در اوایل حکومت امین وارد افغانستان شدند از ده تا بیست هزار نفر میخواند. در سند شماره ۴۴ مؤرخ اول اکتوبر ۱۹۷۹ نگاشته می شود:«. . . همین طور در تاریخ ۳۰ سپتمبر ج– دالات سینگ وزیر مختار سفارت هند(لطفاً محفوظ بماند) به وزیر مختار سفارت گفت که یکی از منابعش و یک افسر سابق ارتش افغانستان که الآن در پلچرخی در زندان بسر میبرد، قبل از دستگیری اش در «خانۀ مردم» (خانۀ خلق) دفتر مرکزی رهبری خلقی درمورد حضور نیروهای نظامی روسی بحث نمودند. افسر افغانی گفته بود که زمان سر کار بودنش به اطلاعات حساس دسترسی داشته است حدود ۹۰۰۰ نفر نیروی روسی در افغانستان یافت میشده. وزیر مختار هندی تاریخ دقیق اطلاعاتش را نمیدانست ولی فکر میکرد کاملاً جدید است. سینگ خودش گمان میکرد که آمار کنونی در حدود ده تا بیست هزار می باشد( او بیشتر به حد بالای این آمار تمایل داشت.»(۸)

تقاضای امین از مسکو غرض اعزام قوای نظامی به افغانستان، تنها محدود به دوران یکصد روز رهبری او در حزب دموکراتیک خلق و دولت این حزب نمی‌شد. امین قبل از آن و یکجا با نورمحمد تره‌کی با رها از مسکو خواستار ورود قوای شوری شده بودند تا آنها را در سرکوبی شورش‌ها و قیام‌ها علیه دولت حزب دمکراتیک خلق، یاری رسانند. تقاضای تره کی و امین به ورود قوای شوروی و تردید زمامداران شوروی، از متن اسناد محرم کی. جی.بی و حزب کمونیست شوروی پیدا است که پس از فروپاشی شوروی مجال انتشار یافتند. در سندی از کی.جی.بی می آید:

« یازدهم آگست (۱۹۷۹) با امین بنا به تقاضای او دیدار کردم (نمایندۀ کی.جی.بی درکابل) در روند گفت‌وگو توجه خاصی به آمدن یگان‌های شوروی به افغانستان مبذول گردید. امین مصرانه خواهش کرد به رهبران شوروی لزوم گسیل عاجل یگانهای شوروی به کابل را گزارش دهید. او چندبار تکرار کرد که»حضور سپاهیان شوروی به پیمانۀ چشمگیری روحیۀ ما را با لا برده و به ما آرامش و اطمینان بیشتری خواهد بخشید. شاید رهبران شوروی از آن نگران اند که دشمنان ما در جهان، گسیل سپاهیان شوروی به افغانستان را به عنوان مداخله در امور داخلی جمهوری دمکراتیک افغانستان، ارزیابی خواهند کرد. مگر من به شما اطمینان میدهم که ما یک دولت مستقل و آزاد هستیم و همه مسایل را مستقلانه حل و فصل می‌کنیم. سپاهیان شما در نبردها اشتراک نخواهند ورزید. آنها را صرف در لحظات بحرانی به یاری فرا خواهیم خواند.»(۹)

در برخی از اسناد دیگر نگاشته شده است:

«مسکو؛ خیلی سری:

«رفیق امین را قانع سازید . . . »

حسب سفارش نورمحمد تره کی، رفیق امین مرا دعوت کرده و از ما خواهش کرد تا ۱۵ – ۲۰ هلیکوپتر رزمی با مهمات و پرسونل شوروی به ایشان تحویل بدهیم تا در صورت وخامت اوضاع در حومۀ کابل و مناطق مرکزی کشور برضد باند های شورشیان که از پاکستان فرستاده می‌شوند به کار گرفته شود.

گوریلف – ۱۴ اپریل ۱۹۷۹

مصوبۀ کمیتۀ مرکزی:»مصلحت نیست، این کار انجام شود. ن.و.اگرارکف»

۲۱اپریل ۱۹۷۹ دفتر سیاسی کمیتۀ مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی تصویب کرد که: شرکت پرسونل هوابرد شوروی در سرکوب خیزش‌های ضد انقلابی در قلمرو افغانستان صحیح نیست. دراین حال به مستشار ارشد نظامی شوروی در جمهوری دمکراتیک افغانستان دستور های زیر داده شد:

خیلی سری، بخش خاص – کابل، به مستشار ارشد نظامی:

به نخست وزیر جمهوری دمکراتیک افغانستان، حفیظ الله امین اطلاع بدهید که درخواست افغانستان مبنی بر تحویل ۱۵ – ۲۰ فروند هلیکوپتر رزمی با پرسنل نظامی شوروی به حکومت شوروی فرستاده شد. بگویید که ما به افغانی ها قبلاً توضیح داده بودیم که شرکت آشکار یگانهای رزمی شوروی در سرکوب ضدانقلابیون در جمهوری دمکراتیک افغانستان مصلحت نمیباشد....»(۱۰)

گروهی از دانشمندان انستیتوی تاریخ نظامی فدراسیون روسیه در کتاب «جنگ در افغانستان» که بخشی از اسناد سری را در مورد تقاضاهای پیهم تره‌کی و امین مبنی بر اعزام قوا ی شوروی بازگو کرده‌اند می‌گویند: اینگونه تقاضاها که از طریق نماینده‌گان شوروی فرستاده شده بود، نزدیک به بیست میرسد. هفت تقاضا از سوی امین پس از برکناری تره‌کی صورت گرفته بود.(۱۱)

پروفیسور «پی یر آلن» آمر دیپارتمنت علوم سیاسی دانشگاه ژنو در کشور سویس و «دیتر کلی» همکار ارشد دیپارتمنت علوم سیاسی دانشگاه مذکور تقاضای تره‌کی و امین را مبنی بر اعزام قوای نظامی از شوروی بیست و یکبار وانمود می‌کنند. آنها مجموع این در خواست ها را با استفاده از اسناد آرشیف کی.جی.بی . و حزب کمونیست شوروی و سایر منابع روسی در جدولی به شرح زیر تنظیم می کنند:

«جدول تقاضاهای کمک نظامی از مسکو که از طرف حکومت افغانستان صورت گرفته بود (سال ۱۹۷۹ میلادی)

شماره – تاریخ تقاضا –نام رهبر – نوع کمک نظامی که تقاضا گردیده بود

۱ – هفدهم مارچ – نورمحمد تره کی – تخنیکی و نظامی مهمات، مواد خوراکی، حمایت نیروهای پیاده و هوایی

۲ – بیستم مارچ – نورمحمد تره کی – هلیکوپتر های جنگی با عملۀ آن

۳ – چهاردهم اپریل – حفیظ الله امین – پانزده فروند هلیکوپتر جنگی با عملۀ پرواز

۴ – شانزدهم جون – حفیظ الله امین – تانک ها و وسایط زرهی برای حفاظت از مقر حکومت

۵ – یازدهم جولای – نورمحمد تره کی – قطعات نظامی در سطح گردان (کندک)

۶ – دوازدهم جولای – نورمحمد تره کی – هلیکوپتر های اکتشافی

۷ – نوزدهم جولای – نورمحمد تره کی – دو لشکر (فرقه) نیروی شوروی

۸ – بیستم جولای – نورمحمد تره کی – دو فرقۀ دیسانت هوایی برای کابل

۹ – بیست و یکم جولای – نورمحمد تره کی – هشت تا دوازده هلیکوپتر می ۲۴ با عملۀ پرواز

۱۰ – بیست و چهارم جولای – حفیظ الله امین – سه قطعۀ نظامی برای کابل

۱۱ – دوم آگست – نورمحمد تره کی – اعزام زود تر قوا به کابل

۱۲ – دوازدهم آگست – نورمحمد تره کی – سه کندک ویژۀ هیلکوپترهای ترانسپورتی

۱۳ – بیت و یکم آگست – حفیظ الله امین – ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ پاراشوتیست

۱۴ – بیست و پنجم آگست – حفیظ الله امین – اعزام قوا به افغانستان

۱۵ – دوم اکتوبر – حفیظ الله امین – کندک محافظ برای پاسبانی از امین

۱۶ – هفدهم نوامبر – حفیظ الله امین – کندک محافظ برای پاسبانی از امین

۱۷ – بیستم نوامبر – حفیظ الله امین – کندک محافظ برای پاسبانی از امین

۱۸ – دوم دسمبر حفیظ الله امین – غند تقویه شده برای ولایت بدخشان

۱۹ – چهارم دسمبر – حفیظ الله امین – قطعات پولیسس برای شمال افغانستان

۲۰ – دوازدهم دسمبر – حفیظ الله امین – قطعات برای جابجا سازی در گانریزیون های شمال کشور

۲۱ – هفدهم دسمبر – حفیظ الله امین – قطعات برای جابجایی در شمال کشور»(۱۲)

# سپیدار بلند قامت شعر پارسی

هارون مجیدی

**بیش‌تر تلاش‌های عاصی در این زمینه، به سستی زبان گراییده و در نهایت، شعری بسیار ضعیف را خلق کرده‌است. جنبه‌های حماسی شعر او عام، و در عین حال مقلدانه‌است. با یکی دو بار خواندن به ساده‌گی می‌توان رد پای شاعرانی چون فردوسی و باختری را در وجوه حماسی شعر عاصی شناسایی کرد. خودش اما پیدا نیست.**
**به باور آقای جبران، حضور سنگینِ زبان استعاری و نمادین واصف باختری که بر تمام شاعران دههٔ شصت سایه افگنده، عاصی را هم بی‌نصیب نگذاشته و عاصی لحن حماسی شعر خود را از همین حضور سنگین؛ آن هم آشکارا، به عاریت می‌گیرد. تلاش برای رهایی از این حضور، نتیجهٔ وارونه داشته واغلب زبان بی‌تکلف عاصی را شعارزده می‌سازد**

شهید از عبدالقهار عاصی، نام بلندی در ادبیات معاصر افغانستان است که هیچ هم‌روزگار دیگر او اثر گذارتر و نام‌بُردارتر از عاصی نبوده است. پیرامون نقد و تحلیل کارنامهٔ ادبی و شعرهای او مقالات فراوانی به قلم منتقدان و پژوهشگران ارایه شده، اما کمتر اتفاق افتاده تا این مقالات در کسوت کتابی به نشر برسد و یا پژوهشگری کتاب مستقلی پیرامون کارهای او بنویسد.
در سال‌های پسین نصیر آرین که فعلاً دانشجوی دورهٔ دکترا است، کتاب مدونی پیرامون کارهای عاصی نوشت و با استفاده از مکاتب و دیدگاه‌های رایج در نقد ادبی، شعرهای او را به نقد و بررسی گرفت.
با این وجود، به تازه‌گی انتشارات آریانا کتاب «سپیدار بلند قامت شعر پارسی» را نشر کرده که در برگیرندهٔ زنده‌گی، نقد و تحلیل شعرهای عبدالقهار عاصی است. این کتاب به کوشش بهزاد آزاد گردآوری شده و در هزار نسخه و قطع رقعی به چاپ رسیده است.
کتاب «سپیدار بلند قامت شعر پارسی» ۳۰۹ برگ دارد و در سه بخش تدوین شده است. بهزاد آزاد در این کتاب، مقالات، شعرها و یادداشت‌هایی که پیرامون شعر و جایگاه ادبی عبدالقهار عاصی در سال‌های اخیر نوشته‌اند را گردآوری کرده است.
گردآورندهٔ «سپیدار بلند قامت شعر پارسی» در پیش‌گفتار این کتاب نوشته است: عبدالقهار عاصی یکی از شاعران نام‌آور معاصر کشور بوده است. او به عنوان شاعری که آلام و دردهای مردم را در نابه‌سامان‌ترین روزگار سیاسی و اجتماعی نعره زد و به‌زودی توانست ادر پهنهٔ تاریخ ادبیات معاصر کشور جا باز کند.
در ادامهٔ این یادداشت گردآورنده شناختش از عاصی چنین بیان کرده است: او را شاعری یافتم کاملاً متفاوت، در هر قالبی که شعر سروده و در هر کاری می‌توان از او درس گرفت. شهرت و محبوبیت او در منطقه و فراتر از منطقه هم سرکشیده است. به گفتهٔ استاد واصف باختری: «عاصی فردای شعر پارسی است».
بخش نخست این کتاب شامل جستاری بر زنده‌گی‌نامه، شعر و آثار عاصی می‌شود. به یاد آن «گل سوری» که عطر ایمان داشت، اشارات استحسانی در مورد شهید عاصی، قهار عاصی امواج نامنظم دریای پنجشیر، تأملی بر ترانه‌ها و دوبیتی‌های قهار عاصی، آن فرزندم رفت و این فرزندم گاهی به دیدنم نیامد!، «گل سوری» پرپر شد، قهار عاصی شاعرِ درد و انتظار، عاصی؛ خیال‌ها و یقین‌هایش، شاعر عشق و آزادی، شاعری که چوب سیاست خورد و عاصی استثنایی در شعر معاصر ما، عنوان شماری از مقالات آمده در بخش دوم این کتاب است.
مقالات این مجموعه را واصف باختری، حیدری وجودی، پرتو نادری، محمدکاظم کاظمی، نصیراحمد آرین، سیدرضا محمدی، خالده فروغ، کاوه جبران، نیلاب رحیمی، لیلا صراحت روشنی، سمیع حامد، شمس‌الحق آریانفر، سید اسحاق دلجو حسینی، نظری آریانا و فرهاد دریا نوشته‌اند.
عاصی در آیینهٔ شعر دیگران، در سوگ عاصی، بعد از تو، عصیان زخم، حجم تلخ، سپیدار را کشتند، گریست و دوبیتی‌ها در بخش سوم کتاب «سپیدار بلند قامت شعر پارسی» آمده‌اند. برگ‌های پایانی این کتاب شامل عکس‌های از دوره‌های گوناگون زنده‌گی عبدالقهار عاصی می‌باشد.

## عاصی کی بود؟

داکتر سمیع حامد شاعر و از دوستان نزدیک شهید عاصی در مقالهٔ «عاصی به مفهوم بومی کلمه نوشته» است: عاصی از نظر ذهنی به مفهوم بومی کلمه «عاصی» بود: برآشفته و شورانگیز، سیمابی و تیزابی. پیش از«عاصی» اسم خانواده‌گی او «امان» بود: قهار امان.
قصه کرد که روزی در راه لوگر گشت نظامی ماشین آنها را ایست می‌دهد و مسافران را پیاده می‌کند تا بازرسی بدنی کند. عاصی عصبی می‌شود و با آنها درگیر می‌شود. یک سرباز برایش می‌گوید: چرا این قدر عاصی هستی؟ و عاصی حس می‌کند این سرباز دقیق‌ترین تعریف روح و روحیهٔ او را بر زبان آورده است. از همان جای جاده، قهار امان می‌شود «قهار عاصی» و همانگونه که روحیهٔ اجتماعی او «عاصی» است روح شاعرانهٔ او نیز عصیان‌گر است.
اما پیرامون این که «قهار عاصی» چگونه «عبدالقهار» عاصی شد؟ آقای حامد نوشته است: در این تردیدی نیست که این نام را با همین «عبدل»اش پدرش گذاشته بود اما عاصی خود را «قهار عاصی» می‌گفت. زمانی رسید که عاصی خراباتی شد و از اتاق کار استاد حیدری وجودی راه به خانقاه باز کرد.
یادم هست که روزی وجودی در باره‌ء «اسمِ قهار» سخن می‌گفت و عاصی ناگهان مثل یک فواره از جا پرید و فریاد زد: من قهار نیستیم، من بنده و بردهٔ آن «قهار» هستم. پس از آن همیشه در نامه‌ها «عبدالقهار» می‌نوشت و اگر کسی صدا می‌زد «قهار!» بی‌درنگ می‌گفت: عبدالقهار!...این نام مایهٔ شوخی دوستانش هم شده بود.
وقتی می‌خواستیم از خانه برآییم به عاصی می‌گفتیم: چل عبدالقهار چلو! او میری یار چلو!(برو عبدالقهار برو! ای دوست من، برو)! به باور داکتر حامد، عاصی به همان اندازه که در برابر رژیم کمونیستی حساس بود در برابر کسانی که اسطورهٔ شعرهایش بودند نیز عاصی شد.
کاوه جبران یکی از شاعران و منتقدان نام‌آشنای افغانستان در مقالهٔ «قهار عاصی؛ عصیانش، شعرش و آوازه‌اش» که در سایت فارسی بی بی سی نشر شده و در این مجموعه نیز آمده است، می‌نویسد: مثل هر شاعر دیگر که در ادامهٔ یک سنت ادبی ظهور می‌کند او بخشی از آوازهٔ شاعری‌اش را مدیون اقتدار همان سنت است و نیز زمانه‌ای که در آن زنده‌گی می‌کرد، البته با این تفاوت که عاصی اندکی زیادتر، سنتِ زمانش را شناخته بود و نیز کمی بیش‌تر فرزندِ زمانه‌اش بود.
بنابراین، حداقل برای دست‌یابی به استقلال متن عاصی از اسم و آوازه‌اش باید راه و رسم دیگری را پیش گرفت که تا کنون میسر نیست و این راه، چیزی جز محک‌زنی بوطیقایی، تحلیل معنایی و ساختاری، و تعیّن موقعیت تاریخی شعر عاصی نیست که باید از زندگی پرشور و شاعرانه، موقف‌سنجی‌های سیاسی و جوان‌مرگی غم‌انگیز او سوا گردد.
جبران در ادامهٔ مقاله نوشته است: حرف دیگری را که همواره و بی‌امان دربارهٔ عاصی گفته‌اند، آمیخته‌گی شعر او با غنا و حماسه است که حرفی‌ست واقع‌بینانه، اما اشکال کوچکی دارد. نوشته‌اند که قوت شعر عاصی، در ادغام پیروزمندانهٔ حماسه و غناست و این، مهملی بیش نیست که عاصی بدترین تجربه‌ها را در به‌هم‌آمیزی حماسه و غنا دارد و نیز شعر حماسی. جز چند تجربهٔ خوب و معدود در کار او نمی‌توان دریافت.
بیش‌تر تلاش‌های عاصی در این زمینه، به سستی زبان گراییده و در نهایت، شعری بسیار ضعیف را خلق کرده‌است. جنبه‌های حماسی شعر او عام، و در عین حال مقلدانه‌است. با یکی دو بار خواندن به ساده‌گی می‌توان رد پای شاعرانی چون فردوسی و باختری را در وجوه حماسی شعر عاصی شناسایی کرد. خودش اما پیدا نیست.
به باور آقای جبران، حضور سنگینِ زبان استعاری و نمادین واصف باختری که بر تمام شاعران دههٔ شصت سایه افگنده، عاصی را هم بی‌نصیب نگذاشته و عاصی لحن حماسی شعر خود را از همین حضور سنگین؛ آن هم آشکارا، به عاریت می‌گیرد. تلاش برای رهایی از این حضور، نتیجهٔ وارونه داشته و اغلب زبان بی‌تکلف عاصی را شعارزده می‌سازد.
سید رضا محمدی شاعر و منقد نیز در مقالهٔ «عاصی؛ خیال‌ها و یقین‌هایش» می‌نویسد: هر که طعم عشق را، با محنت‌ها و دربه‌دری‌ها و حسرت‌ها و انتظارها و رؤیاهایش در روزگار بلوا کشیده باشد شعر عاصی را با جان لمس می‌کند و شاید برای همین هم هست که شعر عاصی بیشتر از هر شاعر دیگری در افغانستان خریدار دارد.
آقای محمدی نوشته است: شاعری که نه از وزارت فرهنگ، نه از جشنواره ها و مطبوعات بلکه از ذایقه‌های بی شمار مردم افغانستان مقبولیت گرفت. شاعری که پوستش را به هیچ امیرالمومنینی به هیچ قیمتی نفروخت و عاصی وعاشق و قلندر زیست و شهید شد.
به باور آقای محمدی: نها شاعری در افغانستان که صدا و لحن خویش را در شعر یافته بود. و تنها شاعری که پیشنهادات نیما را افغانی کرده بود و چقدر این افغانی شدن به شعر او می‌آمد. انگار این امکان برای حرف‌های عاصی از اصل درست شده باشد همان طور که ظاهرا برای حرف های فروغ و سهراب درست شده بود. بعد از فروغ و سهراب هیچ شاعر دیگری در زبان فارسی می‌توان گفت به عقیده من به اندازه عاصی با شعر اصیل نبوده است.
آقای محمدی نوشته است: چنانکه بتوان برای او و دغدغه‌های او و لحنش و زبانش و اصطلاحاتش و شگردهایش در وزن و ریتم یگانه‌گی تصور کرد. عاصی نمونه دهاتی تر شاعر مدرن بود با قراینی مثل سرجیی یسه نین غرق در طبیعت، با لحنی البته معترض و یا شاید به شکلی بشود او را با نرودا یا محمود درویش مقایسه کنیم اگر بحث زبان در میان نباشد.
شاعرانی که تجربه‌هایی مشابه با او را داشتند و مقبولیتی تقریباً همانند او را در ملت خودشان کسب کرده بودند. شاعرانی که شعر شان تنها دغدغه‌های مفلوک خودشان نبودو صدای ملتی از حنجره آنها فریاد می‌شد.
گفتنی است که کتاب «سپیدار بلند قامت شعر پارسی» با کیفیت مرغوبی به نشر رسیده و نوشته‌های گردآوری شده در آن منبع خوبی برای کارهای پژوهشی بیشتر پیرامون کارنامهٔ عاصی است.
شناسهٔ این کتاب را با آوردن غزلی از جاوید فرهاد که در سوگ عاصی سروده است، به پایان میبرم:

بعد از تو
بعد از تو شور غزل کم شده قهار!
لبخندها بدل به کمی غم شده قهار!
دیری‌ست شانه‌های تخیل به سوگ تو
در زیر کوله‌بار عزا خم شده قهار!
دوشیزه‌گان فصل تصور هزار بار
با شعر–با خیال تو– همدم شده قهار!
در برگ برگ خاطره‌های بلند شعر
هر قطرهٔ خیال تو شبنم شده قهار!
اینجا شعور و شعر و ترنم شبانه‌ها
رؤیای مرگ عالم و آدم شده قهار!
یعنی درخت مرده و ناجو شکسته است
گل‌های ناشکفته به ماتم شده قهار!

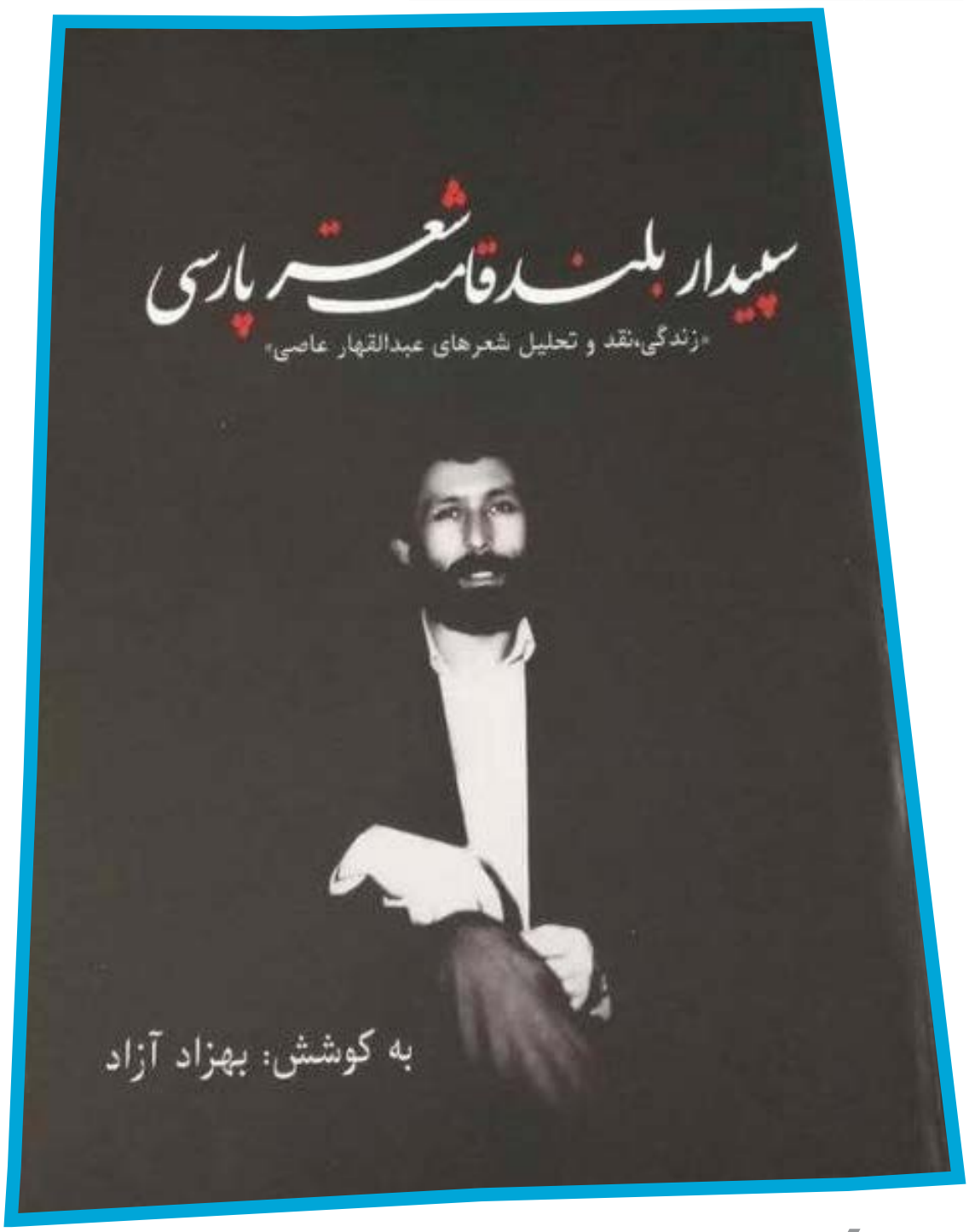

### در نشست سه‌جانبه در چین مطرح شد:

# تروریسم خوب و بد ندارد

روح‌الله بهزاد

نشست سه‌جانبه بین کابل، آسلام‌آباد و بیجینگ، دیروز سه‌شنبه، ۵ قوس در پایتخت کشور چین به هدف بهترشدن روابط بین پاکستان و افغانستان برگزار شد.
وزیران خارجهٔ سه کشور پس از پایان این نشست در یک نشست خبری گفتند که سه کشور توافق‌هایی را مبنی بر مبارزهٔ مشترک در برابر تروریسم، بهتر شدن روابط منطقه‌یی و پیش‌بردِ برنامه‌های توسعه‌یی انجام داده اند.
در این نشست، وزیران خارجهٔ هر سه کشور هم‌چنان از گسترش نفوذ روزافزون تروریسم در منطقه اظهار نگرانی کرده و تأکید کردند که باید گام‌های عملی در پیوند به مبارزه با هراس‌افگنی برداشته شود.
آنان با اشاره به این‌که کشورهای منطقه نباید تروریسم را به خوب و بد تقسیم کنند، گفتند که باید طالبان دست از خشونت بردارند و به پروسهٔ صلح افغانستان بپیوندند.
وانگ‌یی وزیر امور خارجهٔ چین در این نشست گفت: «این نشست به خاطر درک متقابل بین دو کشور برگزار شده است. کابل و اسلام‌آباد توافق کرده اند که روابط بین‌شان به زودترین فرصت بهبود می‌یابد و از خاک این دو کشور در برابر یک دیگر استفاده نمی‌شود».
وزیر امور خارجهٔ چین می‌افزاید که گروه‌های مشترک کاری نیز در بخش استخبارات و مهاجران میان هر دو کشور به‌زودی ایجاد خواهد شد. آقای یی تأکید می‌کند که پاکستان در این نشست تعهد کرده که اقدام‌های عملی را روی دست گیرد.
آقای وانگ‌یی در این نشست به فعالیت‌های گروه‌های تروریستی در افغانستان اشاره کرد و از تمام اعضای گروه طالبان که در این کشور دست به فعالیت‌های تروریستی در قبال دولت کابل می‌زنند، تقاضا کرد که به پروسهٔ صلح اشتراک کنند.
آقای وانگ‌یی گفت که چین از روند صلح به رهبری افغانستانی‌ها حمایت می‌کند. او گفت که بیجینگ از دولت افغانستان می‌خواهد تا زمینه‌های گفت‌وگوها با گروه طالبان را فراهم سازد.
او هم‌چنان گفت، کشورش می‌خواهد مناسبات میان دو کشور همسایه افغانستان و پاکستان بهبود یابد که به نفع مردمان دو کشور و کُل منطقه است.
وزیر خارجهٔ چین در عین حال تأکید به نقش علمای دینی پاکستان و افغانستان در آمدن صلح در هر دو کشور کرد و بیان داشت که باید آنان از نقش‌شان از هر طریقی که امکان دارد، استفاده کنند.
در سویی دیگر، صلاح‌الدین ربانی، وزیر امور خارجهٔ کشور، نشست سه‌جانبه را «یک نشست تاریخی» بیان کرد و گفت که چین به عنوان یک کشور همسایه، باید نقش خود را در مسایل مهم منطقه‌یی ایفا کنند.
آقای ربانی می‌افزاید که باید چین از نقش این کشور در آمدن صلح و مذاکره با طالبان استفاده کند و همکاری اسلام‌آباد را نیز در این بخش حتمی و ضروری می‌داند.
آقای ربانی می‌افزاید که این نشست سه‌جانبه، نقش مهمی در به وجود آمدن اعتماد بین اسلام‌آباد و کابل دارد. او تأکید دارد که قدم‌های عملی در قسمت مبارزه با هراس‌افگنی و خوب شدن روابط بین دو کشور برداشته خواهد شد.
همزمان باین، خواجه آصف، وزیر امور خارجهٔ پاکستان می‌گوید که صلح و ثبات در افغانستان برای رسیدنِ هر دو کشور به «هدف»، ضروری است و در حال حاضر نیز پاسخ مثبتی از سوی دولت کابل در قسمت مبارزه با هراس‌افگنی دریافت کرده است.
آقای آصف گفت‌وگوهای کابل–اسلام‌آباد را به سود منطقه می‌داند و می‌گوید که روابط میان سه کشور به صلح و ثبات در منطقه کمک می‌کند. او از ایجاد گروه مشترک کاری خبر داد و گفت: در این نشست، موافقت صورت گرفت که صلح و ثبات به نفع منطقه است.
مشکلات مرزی میان دو کشور و مشکلات مهاجران افغانستان از موضوعات بود که مقام‌های افغانستان و پاکستان در نشست سه‌جانبه بالای آن صحبت کرده و تأکید دارند که این مشکلات هرچه زودتر رفع خواهد شد.
این درحالی است که مقام‌های حکومت افغانستان و ایالات متحدهٔ امریکا پاکستان را متهم می‌کنند که با حمایت از شورشیان طالبان در بی‌ثبات‌سازی حکومت افغانستان و تضعیف تلاش‌های بین‌المللی برای بازسازی این کشور دست دارد. پاکستان این‌گونه اتهام‌ها را رد کرده و اتهام مشابه پناه دادن به تروریسم را به افغانستان وارد می‌کند.
این نشست در وزارت خارجهٔ چین تلاش جدیدی است تا یک راه‌حل منطقه‌یی برای جنگ با طالبان و همچنان تهدید ناشی از گروه خودخواندهٔ «دولت اسلامی» یا داعش یافته شود. مذاکرات مشابه دیگر با اشتراک این سه کشور به علاوهٔ ایالات متحده امریکا در گذشته چندبار برگزار شده است، اما نتوانسته راه‌حلی برای این منازعه بیابد.
این آرزومندی وجود دارد که چین به دلیل مناسبات نزدیک‌اش با اسلام‌آباد، بتواند یک میانجی موفقانه باشد، زیرا در این اواخر، ایالات متحده امریکا مناسبات پُر تنشی با پاکستان دارد. هم‌چنان چین در پاکستان در یک پروژهٔ چند میلیاردی یک دهلیز اقتصادی می‌سازد که البته یک عنصر مطرح در این کنفرانس خواهد بود. افغانستان نیز مناسبات نزدیکی با چین دارد.
گفتنی است که خواست چین از دولت افغانستان مبنی بر مساعد ساختن فضای گفت‌وگو با طالبان در حالی صورت می‌گیرد که دو روز پیش، اعضای شورای عالی صلح اعلام کردند که طالبان در هر سطحی که بخواهند، دولت آمده است که با آنان مذاکره کند.
شورای عالی صلح کشور چندی پیش نیز اعلام کرده بود که اگر طالبان آمادهٔ مذاکره شوند، دولت برای آنان اجازه خواهد داد تا در کابل دفتر باز کنند؛ اما طالبان، باربار خواست دولت افغانستان برای گفت‌وگو را رد کرده‌اند.

# کاهش چشمگیر سرمایه‌گذاری در افغانستان

مسوولان اتاق تجارت و صنایع کشور می‌گویند که در چند سال اخیر میزان سرمایه گذاری از ۲۵ تا ۷۰ درصد کاهش یافته است.
خان جان الکوزی معاون اتاق تجارت وصنایع روز سه‌شنبه (۵ جدی) در یک نشست خبری در کابل از کاهش چشم‌گیر میزان سرمایه گذاری در کشور ابراز نگرانی کرد.
آقای الکوزی گفت که در چند سال اخیر با افزایش نا امنی، رشد تهدیدات علیه تجار و سرمایه گذار، بروکراسی پیچیده اداری و افزایش مالیات میزان سرمایه گذاری در کشور به طور چشم‌گیری کاهش یافته است.
وی افزود که در این چند سال حدودا ۷۰ در صد سرمایه گذاری کوچک، ۵۰ در صد سرمایه گذاری متوسط و ۲۵ در صد سرمایه گذاری بزرگ از بین رفته است که این مساله ضربه بزرگی بر اقتصاد و بازار کار وارد کرده است.
وی حکومت را به حمایت همه‌جانبه از سکتور خصوصی، تجار و سرمایه گذار فراخوانده تاکید نمود که مردم هم اکنون با معضل بیکاری دست و پنجه نرم می‌کنند در صورتیکه حکومت مصوونیت تجار و سکتور خصوصی را فراهم کرده و زمینه مساعد را برای سرمایه گذاری فراهم کند معضل بیکاری خود به خود حل خواهد شد.
در همین حال، عتیق الله نصرت رییس اتاق تجارت، نبود یک سیستم معلوماتی کار را در افغانستان از عمدترین مشکلاتی خواند که سبب شده که معضل بیکاری روز به روز افزایش یافته و سرمایه گذاران نیز از خارج کارگر ماهر و فنی وارد کنند.
وی بیان داشت که هم اکنون با وجود خالی بودن هزاران بست کاری در درون و بیرون دولت افغانستان به ویژه در نهادها و موسسات خصوصی، نبود این سیستم معلوماتی و نبود کارگر ماهر مطابق به نیازمندی سکتور خصوصی، آمار بیکاری را بالا برده است.
آقای صافی؛ نصاب تعلیمی یک جانبه و غیر مطابق با نیازمندی بازار کار در مراکز تعلیمی فنی و حرفه ای را نیز مورد انتقاد قرار داده گفت که با وجود آنکه سالانه هزاران تن از این مراکز به نیروی کار افزوده می شوند اما این افراد مطابق به نیازمندی مارکیت تربیت نشده و همچنان بیکار می‌مانند.
وی از حکومت خواست که در تدوین نصاب تعلیمی مراکز فنی و حرفه ای و مدیریت این مراکز سکتور خصوصی و اتحادیه‌های کارفرمایان را دخیل ساخته و برای مبارزه با معضل بیکاری گام های موثرتری بردارد.
آقای نصرت همچنان با اشاره به برنامه کشوری کار شایسته/ هماهنگی بین دولت، کارگر و کارفرما که در اکثر کشورهای جهان تطبیق می شود و برای اولین بار در سال ۲۰۱۰ در افغانستان روی دست گرفته شد، از تدوین دور تازه این برنامه خبر داد.
رییس اتاق تجارت گفت که دور جدید برنامه کار شایسته که اهداف اساسی ایجاد شغل مناسب، مدیریت بهتر مارکیت کار و ارتقای ظرفیت شرکای اجتماعی را در بردارد بین سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲ تدوین نموده که از اول فبروری سال جدید رسما آغاز خواهد شد .
وی خاطر نشان ساخت که در این برنامه که هماهنگی بین دولت، قشر کارگر و کارفرما را افزایش می دهد تاثیر اساسی بر بازار کار افغانستان گذاشته و معضل بیکاری را کاهش خواهد داد.
از سویی هم، فیض الله ذکی وزیر کار و امور اجتماعی افغانستان نیز در این نشست آمار گسترده بیکاران را معضل بزرگ ملی یاد نموده، گفت: که باوجود نبود آمارهای خیلی دقیق از بازار کار افغانستان، آمارهای موجود نشان می دهد که تا پنج سال دیگر بیش از ۴میلیون شهروند افغانستان بیکار خواهند ماند.
وی گفت که حکومت برای مقابله با معضل بیکاری برنامه های متعدد از جمله، ایجاد زمینه های مساعد سرمایه گذاری برای سکتور خصوصی، گنجاندن شاخص کاریابی در پروسه مصرف بودجه های انکشافی حکومت و دونرهای بین المللی و اعزام کارگر به خارج را روی دست گرفته است.
آقای ذکی نیز نصاب تعلیمی مراکز حرفه ای، مکاتب و دانشگاه های افغانستان را مطابق به نیازمندی بازار کار ندانسته بیان داشت که هم اکنون این مراکز مهارت های قرن ۱۹ را آموزش می‌دهند.
وی سکتور خصوصی را در مشارکت برای تغییر نصاب تعلیمی فراخوانده خاطر نشان ساخت که وزارت کار آماده است تا در صورت تمایل سکتور خصوصی بیش از ۴۶ مرکز فنی و حرفه ای خود را به صورت قرار دادی در اختیار آنان قرار دهد.
گفتنی است که براساس آمارهای که بانک جهانی ارائه کرده حدودا ۱,۹ میلیون شهروند واجد الشرایط کار افغانستان بیکار است که این رقم بیش از ۲۲ درصد نیروی کار افغانستان را شکل می دهد.

## فیسبوک نامه

### پروزیز آرزو

از مواردی که کمتر در پژوهش‌های تاریخ معاصر افغانستان و به ویژه روابط کشور ما با روسیه و بریتانیا بر آن تامل شده است، موضوع سفر سیدجمال‌الدین افغانی به روسیه است. سیدجمال‌الدین افغانی در سال ۱۸۸۸ به دعوت دبیر روزنامهٔ «مسکوفسکیه وستی» با هدف دیدار با تزار روس و جلب پشتیبانی‌اش از مسلمانان هندوستان در برابر بریتانیایی‌ها و نیز سهم‌گیری تزار در حل موضوع تعیین مرزهای افغانستان به مسکو رفت. سیدجمال الدین افغانی با تزار الکساندر سوم ملاقات کرد. تزار روسی اما از قبول پیشنهادهای او خودداری کرد. به سیدجمال‌الدین افغانی نیز به گونه‌یی اشاره شد که روس‌ها تمایلی برای میزبانیِ بیشتر از او ندارند. سیدجمال الدین افغانی، اما در آن سفر توانست تزار را قانع کند که به مسلمانان روسیه برای نخستین بار اجازه چاپ قرآن کریم داده شود. این موضوع می‌تواند عنوان کار فربه پژوهشی شود.

### عبدالله وطندار

**همراهی یک طرفه با کرزی**

سخنان داکتر عبدالله نشان داد که غنی توانسته است در رویارویی‌اش با عطا، لااقل بخشی از جمعیت را با خود همراه کند. او توانسته است در عمل، عطا و ولایتش را به یکی از مشکلات جدی جمعیت تبدیل کند و این، مهارت و سنجش می‌خواهد. داکتر عبدالله، اما شاید به زودی متوجه شود که پیامد این رویارویی، قدرتِ چانه‌زنی کمتر و تضعیف بیشتر خودش و ریاستش خواهد بود. در پایان کار، او هم بازنده خواهد بود. در کنار دلایل بسیار دیگر، یک دلیل فوری بر کناری عطا از ولایت بلخ، تلاش او برای پیوستن به محفلی بود که از سوی کرزی و آدم‌هایش در قندهار برگزار شد. این محفل، اقدام علنی، باج‌گیرانه و تا حدود زیادی، قبیله‌محورِ کرزی در مقابل غنی بود که ظاهراً از سوی عبدالرازق اچکزیِ مدیریت می‌شد و بعداً تذکر امریکایی به او را هم به دنبال داشت.

کرزی و هوادارانش می‌رفتند که از عطا استفاده کنند و جبهۀشان را فراگیر، ملی و سراسری جلوه بدهند. غنی احتمالاً با توافق داکتر عبدالله، جلو عطا را گرفت و نگذاشت که او به این محفل برود. این اقدام عطا، غنی را به این نتیجه رساند که وقت مهار کردن او فرا رسیده است و همین اقدام، احتمالاً داکتر عبدالله را هم به همین نتیجه رساند. حالا، عطا می‌تواند از کرزی بخواهد که در مقابل حسن‌نیت و حمایتش به صورت علنی از او و ماندنش در بلخ حمایت کند. به دیدارش در مزار برود، در کنارش بیاستد و بگوید که دور کردن او از بلخ به مصلحت کشور نیست. آیا کرزی این کار را خواهد کرد؟ بسیار بعید به نظر می‌رسد. همان‌گونه که اشرف غنی و کرزی هنوز توانسته اند رویارویی‌شان را بیش از حد رسانه‌یی، فیسبوکی، مستقیم و شخصی نسازند، این توانایی و زرنگی را هم دارند که بدانند بین رقیب و دشمن، تفاوتی است از زمین تا آسمان. هر دو طرف از این و یا آن، به عنوان ابزار در مقابل رقیب استفاده می‌کنند، اما بسیار بعید است که مثل تعدادی از مهمانان در قندهار، منافع دیگران را جایگزین منافع خودشان بکنند.

جمعیتی‌هایی که پایی و جایی در دولت دارند، دیر یا زود، پشت عطا را خالی خواهند کرد. فقط آن‌هایی که بیرون مانده اند، احتمالاً از او حمایت خواهند کرد، اما این حمایت بیش از آنکه حمایت از عطا باشد، بیان نارضایتی از بیرون ماندن است و در نتیجه، امکان تطمیع آن‌ها و دور کردن‌شان از عطا وجود دارد. داکتر عبدالله گرچند فعلاً و ظاهرا در موقعیت بهتر قرار دارد، اما در نهایت او هم بازنده است، چون اختلافات فعلی در نهایت به سطوح پایین جمعیت و حوزۀ نفوذش هم رسوب خواهد کرد و واضح است که تکیه بر حزب چند پاره و حوزۀ نفوذ پراکنده و سردرگم، عاقبت خوشی نخواهد داشت.

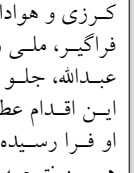

### بشیر عظیمی

**تقابل کابل و بلخ، غنی را از کار می‌اندازد؟**

**منبع:**

اشرف غنی سخت با فشارهای روانی ناشی از جنجال ولایت بلخ دست و پنجه نرم می‌کند و در جستجوی راه بیرون‌رفت برای ختم این معضل است. او نگران به وجود آمدن شکاف میان مردم و حتا نیروهای مسلح در صورت تقابل بیشتر با والی بلخ است. او نگران است که نشود با بالا گرفتن این تنش‌ها، قوت‌های مسلح افغانستان به جان هم بیافتند و میل‌های تفنگ‌های‌شان را به طرف هم دیگر نشانه گیرند.

منبع می‌گوید که این نگرانی‌ها را خارجی‌ها هم دارند و از این ناحیه به غنی هُشدار داده اند. به گفتۀ این منبع، رییس غنی در قسمت جنجال برکناری والی بلخ بیشتر از خودش عبدالله را دخیل می‌داند. منبع افزود که خبرهای مبنی بر معرفی والی جدید بیشتر تبلیغات است و با گذشت هر روز، حل جنجال ولایت بلخ برای ارگ سخت‌تر می‌شود.

# از فلسطین و اوضاع آن چه می‌دانیم؟

**محمد مرادی**

همان‌طور که می‌دانید دونالد ترامپ، رییس‌جمهوری امریکا بیت‌المقدس را به عنوان پایتخت اسرائیل به رسمیت شناخت و خواستار انتقال سفارت امریکا از شهر «تل‌آویو» یا «تل‌أبیب» به این شهر شد. «قدس»، «بیت‌المقدس» و «اورشلیم»، نام یک شهر در فلسطین یا فلسطین اشغالی است. در حال حاضر سازمان ملل، اتحادیۀ اروپا، امریکا و حتی کشورهایی که اسرائیل را به عنوان یک کشور به رسمیت شناخته‌اند، شهر قدس را تنها متعلق به اسرائیل یا فلسطینیان نمی‌دانند زیرا سال‌ها است که بر سر مالکیت این شهر بین عرب‌های مسلمان که به «تشکیلات خودگردان» معروف است و صهیونیست‌ها یا همان یهودی‌ها و دولت اسرائیل اختلاف است. البته در حال حاضر سمت شرقی قدس در اختیار فلسطینیان و طرف غربی آن، در اختیار اسرائیلی‌ها است، اما اسرائیل در مجموع به صورت غیر رسمی بر بخش شرقی و غربی شهر قدس حاکم است.

اعلام ترامپ برای انتقال سفارت امریکا از تل‌آویو به شهر قدس، به معنای واگذاری رسمی و کامل این شهر به اسرائیلی‌ها است. این در حالی است که همه کشورهایی که اسرائیل را به رسمیت می‌شناسند، سفارت خود را در تل‌آویو مستقر کرده‌اند و حق مالکیت اسرائیل را به بر سراسر شهر قدس، به رسمیت نمی‌شناسند. به همین دلیل، سازمان ملل و سایر کشورهای جهان، حضور اسرائیل در بخش شرقی بیت‌المقدس را اشغال می‌دانند و شهرک‌سازی اسرائیل در این بخش را ساخت‌وساز غیرقانونی توصیف می‌کنند. اسرائیل از سال‌ها پیش، سراسر شهر قدس را پایتختش اعلام کرده است و به همین دلیل ساختمان‌های اصلی مثل ریاست دولت، نخست‌وزیری، پارلمان، وزارت‌خانه‌ها و از جمله وزارت خارجۀ ارتش در این شهر و البته در بخش غربی آن مستقر است.

در این میان، سال‌ها است که فلسطینیان نیز خواستار یک کشور مستقل فلسطینی با پایتخت سمت شرقی شهر قدس‌اند. تشکیلات خودگردان فلسطین به ریاست «محمود عباس» همواره از مجامع بین‌المللی خواسته است که بخش شرقی شهر قدس را به عنوان پایتخت آینده‌اش، به رسمیت بشناسند که تاکنون پاسخ مثبتی دریافت نکرده است. جدای از این، در حال حاضر جمع کثیری از مسیحیان نیز در سمت شرقی شهر قدس زندگی می‌کنند که تکلیف آنان هم هنوز مشخص نیست. البته تعدادی از افغانستانی‌ها، روس‌ها و ایرانی‌های یهودی نیز در شهر قدس حضور دارند که در قسمت غربی این شهر زندگی می‌کنند و تابعیت اسرائیلی دارند. البته مشکل تنها بین تشکیلات خودگردان فلسطین و مسیحیان با اسرائیل نیست، بلکه گروه دیگری از فلسطینیان نیز در سرزمین فلسطین که اکنون بخش زیاد آن را اسرائیل تصرف کرده است، زندگی می‌کنند. منطقۀ آنان، باریکه و نوار «غزه» نامیده می‌شود که یک منطقه جدا از بیت‌المقدس است. غزه توسط گروه حماس به رهبری «اسماعیل هنیه»، اداره می‌شود. حماس علاوه بر این‌که با اسرائیل مشکل جدی دارد، با تشکیلات خودگردان فلسطین که به جنبش «فتح» معروف است نیز میانۀ خوبی ندارد. در حال حاضر، موضوع غزه تا حدودی فراموش شده است، مشکل اصلی بر سر تقسیم شهر قدس است. اسرائیلی‌ها به ویژه جناح راست می‌گوید که کل شهر قدس متعلق به اسرائیل است و حاضر به تقسیم آن نیستند، اما این احتمال وجود دارد که جناح چپ اسرائیل به تقسیم شهر قدس میان فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها راضی شود. با این حال، مسألۀ عدم تقسیم شهر قدس در حال تبدیل شدن به خط قرمز برای اسرائیل است که جناح چپ جرأت حرف زدن در این باره را ندارد. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر فعلی اسرائیل متعلق به جناح راست یا رهبر حزب «لیکود» است. کسانی که اکنون در اسرائیل بر سر قدرت هستند، سیاست آشتی‌ناپذیری با فلسطینیان دارند. ترامپ نیز با اقدام یک‌جانبه، جانب‌داری‌اش را از تندروهای یهودی چه در فلسطین و چه در امریکا اعلام کرد. کارشناسان به این باورند که اقدام ترامپ، شعله‌ور کردن آتش زیر خاکستر است؛ زیرا تا هنوز مشکل بین فلسطینیان و اسرائیل حل نشده است و هر گونه اقدام یک‌جانبه، به معنای ایجاد تنش‌های جدید در فلسطین و منطقه است. با توجه به پیچیده‌گی‌های سیاسی، امنیتی و بافت نامتجانس فرهنگی و دینی در فلسطین، مشکل این سرزمین سال‌ها، بلکه ده‌ها سال دیگر طول خواهد کشید. در مطلب دیگری که چندی پیش تحت عنوان «پایان جنگ دوم جهانی و آغاز آوارگی یک ملت» گذاشتم، ریشه‌ها و علل منازعه در فلسطین را توضیح دادم که آن را تداوم همان جنگ دوم جهانی عنوان کردم.

حالا که بحث خود را ناامیدانه به پایان می‌بریم، خالی از فایده نیست که چند جملۀ دیگر را نیز به عنوان اطلاعات عمومی به آن اضافه کنیم. محوطه‌یی که اکنون به بیت‌المقدس و حرم شریف معروف است، در بخش شرقیِ شهر قدس واقع شده است. دو مکان تاریخی نزدیک هم دز نزدیکی‌های آن وجود دارد. مکان اولی، مسجد هشت‌ضلعی با گنبد طلایی است که «قبه‌الصخره نام» دارد. مکان دومی نیز «مسجدالاقصی» با گنبد سبز پُررنگ مایل به خاکستری است که قبلۀ اول مسلمان‌ها به شمار می‌رود. متأسفانه در حال حاضر، قبه‌الصخره به صورت اشتباهی به مسجدالاقصی مشهور شده؛ در حالی که تصویر و گنبد مسجدالاقصی، کمتر در رسانه‌ها نشان داده می‌شود. شهر قدس میزبان کلیساهای قدیمی و مهمی نیز است و به همین دلیل، این شهر برای مسیحیان نیز شهر مقدسی به شمار می‌رود. دیوار «ندبه» نیز در کنار مسجدالاقصی و مسجد قبه‌الصخره قرار دارد. به ادعای یهودیان، دیوار ندبه، تنها باقی‌ماندۀ معبد بزرگ یهودیان یا معبد سلیمان است که بر آن، مسجدالاقصی ساخته شده است. این دیوار مقدس‌ترین مکان یهودیان جهان است که معمولاً یهودیان در کنار آن به عبادت می‌پردازند.

## ورزش

# رئال‌مادرید برترین تیم اروپا در سال ۲۰۱۷ شد

براساس امتیازی‌دهی سایت یوفا، رئال‌مادرید در صدر برترین باشگاه اروپا در سال ۲۰۱۷ قرار گرفت. براساس رده‌بندی سایت رسمی اتحادیۀ فوتبال اروپا، یوفا رئال‌مادرید دو قهرمان متوالی لیگ قهرمانان با ۱۴۸۰۰۰ امتیاز در رتبۀ اول برتین باشگاه‌های اروپا قرار گرفت و بارسا با ۱۲۶۰۰۰ امتیاز دوم است.

رئال‌مادرید که در ۵ سال گذشته سه‌بار عنوان قهرمانی لیگ قهرمانان اروپا را کسب کرده است، به دلیل موفقیت‌های متوالی و کسب عناوین مختلف سال ۲۰۱۷ را به حضور در صدر پشت سر گذاشت و در رتبه‌های بعدی بارسا و بایرن مونیخ حضور دارند. این رده‌بندی با در نظر گرفتن ضریب امتیاز تیم‌های در ۵ سال گذشته اعلام شده است. رتبه‌بندی باشگاه‌های بر اعلام سایت یوفا به شکل زیر است:

۱- رئال‌مادرید ۱۴۸،۰۰۰ امتیاز
۲- بارسلونا ۱۲۶،۰۰۰ امتیاز
۳- بایرن مونیخ ۱۲۵،۰۰۰ امتیاز
۴- اتلتیکو مادرید ۱۲۲،۰۰۰ امتیاز
۵- یوونتوس ۱۲۰،۰۰۰ امتیاز
۶- پاریس سن ژرمن ۱۰۹،۰۰۰ امتیاز
۷- سویا ۱۰۸،۰۰۰ امتیاز
۸- منچسترسیتی ۹۷،۰۰۰ امتیاز
۹- بورسیا دورتموند ۹۵،۰۰۰ امتیاز
۱۰- بنفیکا ۹۵،۰۰۰ امتیاز

# مسی؛ اعجوبه‌ای که «قدم‌زنان» برنابئو را به آتش کشید!

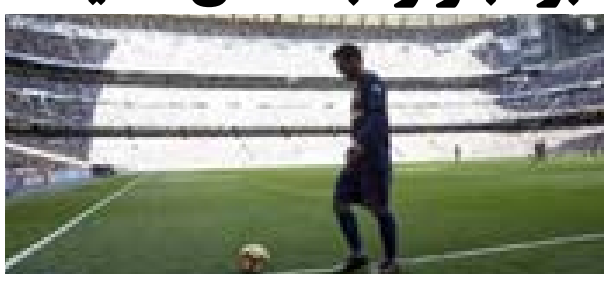

آمارها نشان می‌دهند که فوق ستارۀ آرژانتینی بارسلونا در حالی به پیروزی تیمش در الکلاسیکو تنها در بخشی بسیار محدودی از بازی به خودش فشار آورده بود. لیونل مسی یکی از تأثیرگذارترین و و شاید هم تأثیرگذارترین بازیکن الکلاسیکوی شنبه شب بود؛ چون نه‌تنها گل دوم را از روی نقطۀ پنالتی زد، بلکه گل سوم تیمش را ساخت.

وقتی زین‌الدین زیدان، سرمربی رئال‌مادرید متئو کواچیچ را به جای ایسکو در ترکیب اصلی قرار داد، ابروهای زیادی به نشانه تعجب بالا رفت، اما هدفی که این مرد فرانسوی با به میدان فرستاده هافبک دفاعی سابق اینتر دنبال می‌کرد، چیزی نبود جز اطمینان خاطر از داشتن مأموری در میدان که اجازۀ نفس کشیدن و فرارهای سرعتی را به خطرناک‌ترین بازیکن حریف یعنی لیونل مسی ندهد.

صرف‌نظر از دیگر نقاط ضعفی که این تاکتیک زیزو داشت، زیدان به هدف اصلی‌اش هم که خنثی کردن بازی مسی بود، نرسید. فوق ستارۀ آرژانتین بارسلونا اگرچه سایه‌به‌سایه توسط کواچیچ تعقیب می‌شد، اما بازهم تأثیری که از او انتظار می‌رفت بر روند بازی بگذارد را گذاشت و عملکردش زمانی تحسین‌برانگیزتر جلوه می‌کند که بدانید او بدون آنکه آن‌قدرها بدود و به خودش فشار بیاورد، خانۀ کهکشانی‌ها را به آتش کشید.

طبق آمارهای نشریۀ «ال‌پریودیکوی» اسپانیا از تحلیل عملکرد ستارۀ خط حملۀ بارسلونا در طول ۹۰ دقیقه حضورش در میدان، لیونل مسی در ۸۱٫۳ درصد از زمان بازی الکلاسیکو در حال قدم زدن بوده است، در حالی که ۱۰٫۸ درصد دیگر از زمان بازی با سرعتی آهسته حرکت کرده، ۴٫۹۵ درصد از زمان مسابقه را دویده و در نهایت در ۱٫۱۵ درصد از زمان الکلاسیکو با بازیکنان حریف کورس‌های سرعتی گذاشته است.

این‌که مسی سعی داشت انرژی‌اش را تا پایان بازی حفظ کند، کاملاً منطقی بود، چون او تنها بازیکن خارج از چارچوب بارسلونا در این فصل بوده است که در تمام دقایق بازی‌های تیمش در میدان حاضر بوده است.

صاحب امتیاز: احمد ولی مسعود
مدیر مسؤول: نظری پریانی – ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲
nazari.paryani@yahoo.com
ویراستار: روح الله یوسف زاده
مدیر خبر: جمشید یما
گزارشگران: ناجیه نوری، هارون مجیدی، ابوبکر صدیق و روح‌الله بهزاد
برگ آرایی: مجیب‌الله احمدی– ۰۷۹۵۰۶۷۴۶۳

نشانی برقی: mandegar.daily@gmail.com وب سایت: www.mandegardaily.com
شماره تماس: ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰
مسؤول توزیع: نادری – ۰۷۴۴۶۰۰۶۳۰
نشانی: سرک ۱۳ وزیراکبرخان، کوچه چهارم دست چپ
به جز «سخن ماندگار» مسؤولیت دیگر نبشته‌ها به نویسنده‌گان برمی‌گردد.
چاپ: مطبعه امام – ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

Year 9 NO 2173 Wednesday 27 December 2017

DAILY
# Mandegar


# چهره‌های سرشناسی که در سال ۲۰۱۷ از دنیا رفتند

سال ۲۰۱۷ نیز سال وداع با شمار زیادی از چهره‌های مشهور سیاسی، فرهنگی و ورزشی بود. برخی در حالی از دنیا رفتند که از مدت‌ها پیش با بیماری دست‌وپنجه نرم می‌کردند و برخی دیگر نیز با فوت ناگهانی خبرساز شدند.
شبکه خبری دویچه‌وله لیستی از این افراد را منتشر کرده است که بخشی از آن به شرح زیر است:

**هلموت کهل (آلمان / سیاستمدار)**

© Reuters/T. Schwarz

هلموت کُهل، صدراعظم پیشین آلمان در سن ۸۷ سالگی درگذشت. او به خاطر دستاورهایش در راه وحدت دو آلمان، به «صدراعظم وحدت» معروف شد. او در سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۸ در رأس دولت این کشور قرار داشت. کهل نه تنها در عرصه سیاسی آلمان که در اروپا نیز نقش فعالی بازی کرد و گام‌های مهمی در راه اتحاد اروپا برداشت. او متعقد بود: «حرکت به سوی اروپای واحد برای ما آلمانی‌ها حیاتی بوده و هر چه بر آن تأکید کنیم، کافی نیست.»

**اکبر هاشمی رفسنجانی (ایران / سیاستمدار)**

© Getty Images/AFP/A. Kenare

اکبر هاشمی رفسنجانی، روحانی سیاستمدار ایرانی، در آغاز سال ۲۰۱۷ میلادی درگذشت. او تا قبل از فوتش ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام جمهوری اسلامی ایران را برعهده داشت. هاشمی رفسنجانی نخستین رئیس مجلس شورای اسلامی و چهارمین رئیس جمهور ایران در دو دوره پیاپی میان سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ بود. او یکی از پرنفوذترین شخصیت‌های سیاسی جمهوری اسلامی به شمار می‌رفت.

**جلال طالبانی (عراق / سیاستمدار)**

© picture-alliance/dpa/H. Mizban

جلال طالبانی، رئیس‌جمهور پیشین عراق و دبیرکل حزب اتحادیه میهنی کردستان عراق در سن ۸۴ سالگی از دنیا رفت. او از سال ۲۰۱۲ در پی سکته مغزی در بیمارستانی در آلمان بستری شده و تا زمان مرگش بارها مورد معالجه قرار گرفته بود. طالبانی از آوریل ۲۰۰۵ تا ژوئیه ۲۰۱۴ رئیس‌جمهور عراق بود. گفته می‌شود اجداد پدری جلال طالبانی اصالت ایرانی داشته و از کردهای بوکان بوده‌اند که در دوره صفویه به عراق مهاجرت کردند.

**زبیگنیو برژینسکی (آمریکا / سیاستمدار)**

زبیگنیو برژینسکی، مشاور جیمی کارتر، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا در سن ۸۹ سالگی در ایالت ویرجینیا از دنیا رفت. او که لهستانی‌تبار بود، شهرت خود را مدیون تلاش‌هایش بین سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۱ است که به عنوان مشاور امنیت ملی جیمی کارتر فعالیت می‌کرد.

© picture-alliance/Photoshot

**لیو شیائوبو (چین / نویسنده و فعال حقوق‌بشری)**

لیو شیائوبو، برنده جایزه نوبل صلح که پس از تحمل رنجی طولانی از بیماری سرطان کبد، در سن ۶۱ سالگی در بیمارستانی در چین درگذشت. او در بیمارستان نیز تحت نظر مقامات امنیتی چین قرار داشت. شیائوبو در سال ۲۰۰۹ به اتهام «توطئه برای براندازی رژیم» به ۱۱ سال زندان محکوم شده بود. یک سال بعد جایزه نوبل صلح به او تعلق گرفت. به هنگام اعطای این جایزه، صندلی او در اسلو خالی بود.

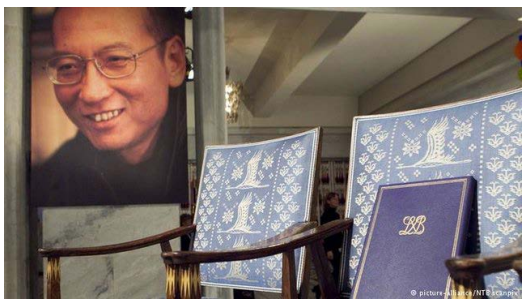
© picture-alliance/NTB kommpic

**مریم میرزاخانی (ایران / ریاضی‌دان)**

مریم میرزاخانی، نابغه ایرانی ریاضیات در سن چهل سالگی بر اثر ابتلا به سرطان پستان درگذشت. او پس از تحصیل در دانشگاه صنعتی شریف برای ادامه تحصیلات عالی راهی هاروارد شد و پس از آن نیز به عنوان استاد ریاضی در دانشگاه‌های پرینستون و استنفورد فعالیت داشت. میرزاخانی اولین ایرانی و نخستین زن دانشمند جهان بود که «مدال فیلدز» بزرگترین و معتبرترین جایزه ریاضی دنیا را کسب کرد.

© picture alliance/dpa

**جری لوئیس (آمریکا / هنرپیشه)**

جری لوئیس، مشهور به «سلطان کمدی»، در سن ۹۱ سالگی در لاس‌وگاس درگذشت. لوئیس نامی آشنا برای فیلم‌دوستان، به ویژه طرفداران فیلم‌های کمدی در سراسر جهان از جمله در ایران بود. او در طی چندین دهه فعالیت هنری در ده‌ها اثر سینمایی نقش‌آفرینی کرد. این کمدین مشهور اگر چه هیچگاه طعم جایزه اسکار را نچشید. در سال ۱۹۹۹ جشنواره فیلم نیز شیر افتخاری این فستیوال را به پاس یک عمر تلاش هنری به جری لوئیس داد.

© picture-alliance/Keystone

# داعش، فراچالش افغانستان

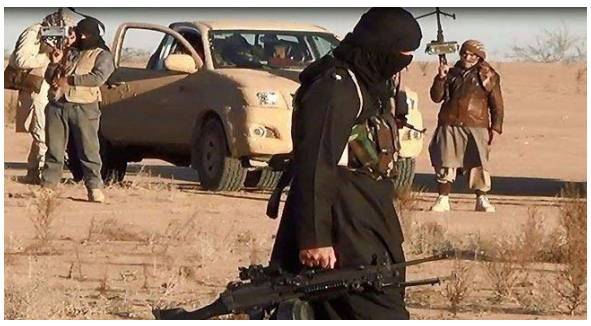

در حالی که جنرال های ارتش امریکا در نیمه نخست سال میلادی جاری مدعی آن بودند که بساط داعش در افغانستان تا پایان ۲۰۱۷ برچیده می‌شود، به نظر می‌رسد این گروه تروریستی تا نابودی نهایی در این کشور فاصله زیادی دارد.
روزنامه نیویورک‌تایمز در گزارشی نوشت: هنگامی که ارتش امریکا قوی‌ترین بمب زرادخانه تسلیحاتی خود را در ماه اپریل به روی پایگاه زیرزمینی داعش در شرق افغانستان انداخت، جنرال‌های این ارتش آن را بخشی از یک کمپین قاطع برای برچیدن بساط شاخه داعش در افغانستان تا پایان سال جاری میلادی خواندند.
در آن زمان گفته شد که تعداد نیروهای داعش در افغانستان از ۳ هزار نفر به ۷۰۰ نفر کاهش پیدا کرده و حوزه عملیاتی آن از یازده منطقه به سه منطقه رسیده است. با این حال، با فرارسیدن پایان سال ۲۰۱۷ هنوز شاخه داعش در افغانستان تا نابودی نهایی فاصله زیادی دارد. این گروه توانسته حملات مرگباری را دراین کشور رقم بزند که آوارگی هزاران خانواده را در پی داشته و حتی بخشی از شبه‌نظامیان طالبان را که سال‌های متوالی کنترل برخی نواحی کوهستانی را در دست داشتند، وادار کرده که به سوی دولت افغانستان دست یاری دراز کنند.
این تغییر روند در افغانستان همچنین کنترل دولت کابل در برخی مناطق را تهدید می‌کند. در عین حال، حتی برخی مقامات مسوول مبارزه با داعش در افغانستان بعد از یک عملیات مشترک دوساله با آمریکا در این کشور، هنوز نتوانسته‌اند درک روشنی از وضعیت این شاخه داشته باشند.
جنرال جان نیکلسون، فرمانده نیروهای ناتو در افغانستان اخیرا گفته است: از ماه مارچ تاکنون بالغ بر ۱۴۰۰ علمیات و حمله هوایی موجب نابودی بیش از ۱۶۰۰ عضو داعش در افغانستان شده است. این تعداد از نیروهای داعش مغایر با چیزی است که اوایل امسال در خصوص کاهش تعداد آنان به ۷۰۰ نفر اعلام شده بود.
برخی از مقامات افغان و غربی می‌گویند در آمار و ارقام غلو می‌شود اما دولت آمریکا می‌گوید، این نشانه‌ای است که این گروه با نیروهای جدید تعداد اعضایش را افزایش می‌دهد. در عین حال، گفته شده که یکی از علل پیشرفت اندک عملیات دوساله آمریکا و افغانستان علیه داعش این است که این دو نیرو در مناطقی عملیات اجرا می‌کنند که سال‌هاست بر آن کنترل نداشته‌اند. با وجود آنکه حملات هوایی و عملیات‌های کماندویی فشارها را بر تروریست‌ها افزایش می‌دهد، اما داعشی‌ها در نقاط دیگر سوپاپ اطمینان دارند. از یک طرف این مناطق منتهی به مرز کوهستانی پاکستان می‌شود و از طرف دیگر منتهی به نواحی تحت کنترل طالبان.
جنرال نیکلسون گفت: وضعیت داعشی‌ها مثل بادکنکی است که وقتی یک طرفش را فشار می‌دهیم، هوای داخل آن به یک سمت دیگر بادکنک می‌رود.

# اخراج جدید پناهجویان افغانی در پایان جنوری برنامه‌ریزی شده است

براساس اظهارات فعالان حامی پناهجویان، آلمان فدرال و ایالت های این کشور درنظر دارند در اواخر ماه جنوری ۲۰۱۸ گروهی دیگر از پناهجویان افغان را اخراج کند. به این ترتیب اخراج های جنجالی به افغانستان در ۲۰۱۸ ادامه خواهد یافت.
به گزارش دویچه وله، یک امدادگر پناهجویان که اظهاراتش در گذشته با اعتماد ثابت شده، به خبرگزاری آلمان (دی پی آ) گفت که یک هواپیمای حامل پناهجویان افغان قرار است تا کمتر از یک ماه دیگر به تاریخ ۲۳ جنوری سال ۲۰۱۸، از میدان هوایی شهر دوسلدورف به سوی کابل پرواز کند. تاهنوز مقام های حکومت آلمان به صورت رسمی این اخراج پناهجویان را تایید نکرده است. بار آخر در ۶ دسمبر ماه جاری، ۲۷ مهاجر افغان که تقاضاهای پناهندگی شان رد شده بود، با هواپیما به کابل برگشت داده شدند. این بزرگترین شمار پناهجویان اخراجی در یک گروه از زمان شروع این پروازها در دسمبر ۲۰۱۶ به این سو بود. آن زمان ۳۴ پناهجوی رد شده در یک گروه اخراج شده بود.
گفته شده است که در میان پناهجویان اخراج شده در ماه دسمبر دو نفر که به عنوان خطرناک درجه بندی شده بودند، نیز وجود داشتند، یعنی افرادی که از جانب شان خطر یک عمل تروریستی متصور بوده است.
بعد از حمله مرگبار در برابر سفارت آلمان در کابل در ماه می سال جاری، در سطح آلمان و ایالات، اخراج پناهجویان افغان به سه گروه محدود شد: مرتکبین اعمال جرمی، افراد خطرناک و پناهجویانی که «از همکاری در تشخیص هویت شان» خودداری می کنند.
اما اخراج پناهجویان افغان از آلمان مورد منازعه است، زیرا وضعیت امنیتی در این کشور در سال جاری بازهم به میزان زیادی وخیم تر شده است. براساس اظهارات سربازان بین المللی و افغان، افراط گرایان طالبان بر حدود ۱۳ درصد خاک کشور کنترول دارند.
افزون بر آن با وجود مقاومت نیروی افغان، یک شاخه ملیشه های تروریست «دولت اسلامی» یا داعش نیز در این کشور جنگ زده در حال رشد است. آلمان در مجموع در ۱۲ ماه اخیر، ۱۵۵ مهاجر افغان را در هشت پرواز به افغانستان فرستاده است.